



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# دانستنی های اربعین حسینی

نویسنده:

رضا اکرمی

ناشر چاپی:

روزنامه اطلاعات

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۸	دانشتیبهای اربعین حسینی
۸	مشخصات کتاب
۸	اربعین
۸	مقدمه
۸	پیشگفتار
۹	شوق لقا
۹	نخستین زائر امام حسین کیست؟
۱۱	بررسی شخصیت جابر بن عبدالله الانصاری
۱۳	بررسی شخصیت عطیة بن سعد عوفی
۱۳	نخستین زیارت
۱۶	آیا اهل بیت به کربلا آمدند؟
۱۸	کدامین اربعین
۱۸	چهل روز پس از شهادت
۱۸	اقوال در زمان بازگشت اهل بیت به کربلا
۱۸	موافقان اربعین اول
۲۰	مخالفان اربعین اول
۲۴	متوقفان
۲۴	دو دیدگاه در ترازوی نقد
۲۴	سخن و دیدگاهی دیگر
۲۷	فرازهایی از زیارت اربعین
۲۷	مقدمه
۲۷	اولین زائر
۲۷	دیدار اهل بیت از شهدای کربلا در روز اربعین

۲۷	اسارت زن مسلمان
۲۸	اربعین حسینی و اسرای کربلا
۳۰	ارزش و جایگاه اربعین حسینی
۳۰	اهمیت اربعین از کجاست؟
۳۲	رمز زنده ماندن واقعه‌ی عاشورا
۳۲	درسی که اربعین به ما می‌دهد
۳۳	اربعین نور
۳۳	جویبار همیشه جاری
۳۳	چله عارفانه تشیع
۳۴	اهمیت اربعین
۳۴	سرگذشت جاودانه
۳۴	تأکید بر زیارت امام حسین علیه السلام
۳۴	آثار و برکات زیارت امام حسین علیه السلام
۳۵	اربعین حسینی و کودکان
۳۵	اربعین حسینی و کودکان
۳۵	دیداری دوباره
۳۵	عزاداری اربعین
۳۶	نشانه ایمان
۳۶	زیارت اربعین
۳۶	عزاداران اربعین
۳۶	بازگشت دوباره
۳۶	خواهر داغ دیده
۳۷	پرسش‌هایی درباره اربعین حسینی
۳۷	نکاتی درباره ی اربعین
۳۸	۱. عدد چهل
۳۹	۲. اربعین امام حسین (علیه السلام)

۴۰	بازگشت اسیران به مدینه یا کربلا
۴۱	میرزا حسین نوری و اربعین
۴۲	شهید قاضی طباطبائی و اربعین
۴۳	اخبار اربعین
۴۴	زیارت اربعین
۴۴	مقدمه
۴۴	عطیه و زیارت مرقد امام حسین علیه السلام در اربعین
۴۴	جابر بن عبدالله انصاری و زیارت اربعین
۴۵	ورود اهل بیت در اربعین اول
۴۵	زیارت نامه اربعین
۴۵	در اعمال این روز
۴۵	متن زیارت
۴۷	اربعین به روایت تصویر
۴۸	درباره مرکز

### مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی : ایران ۷۶-۷۷۷۰

سرشناسه : اکرمی، رضا

عنوان و نام پدیدآور : اربعین حسینی / اکرمی، رضا

منشأ مقاله : ، اطلاعات، (۴ تیر ۱۳۷۶): ص ۷.

توصیفگر : اربعین

توصیفگر : قیام عاشورا

توصیفگر : تاریخ اسلام

### اربعین

#### مقدمه

(پژوهشی در بازگشت اهل بیت به کربلا) محمد امین پور امینی حسنین

بسمه تعالی اربعین حسینی یکی از پربحث‌ترین واقعه‌ی طف است، که از جوانب مختلف مورد تحقیق و بررسی محققان قرار گرفته و تاکنون آثار و دست‌آوردهای گران‌بهایی در این زمینه ارائه گردیده است و با حرکت زمان پژوهش‌های ارزنده‌تر و جامع و کامل‌تری بهره‌ی جامعه‌ی پژوهشگران سخت‌کوش می‌گردد و از جمله‌ی این تحقیقات ارزنده، تحقیقی است که محقق فاضل و نستوه جناب عمده‌الأعزّه آقای محمد امین پورامینی از فضیلتی بنام حوزه‌ی علمیه‌ی قم انجام داده، و جدا قابل استفاده و بهره‌مندی حقیقت‌جویان قرار گرفته و در طلیعه‌ی تحقیقات دیگر ایشان مورد توجه می‌باشد. وفقه الله لمرضاته و ایده بروحه، آمین. قم - محمد هادی معرفت ۱۵ محرم ۱۴۲۴ ه

#### پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم نهضت حسینی از زوایای گوناگون قابل بررسی است، بررسی شرایط سیاسی اجتماعی آن روز و موشکافی جریانات بستر ساز قیام، نقش آفرینی بی‌نظیر سالار شهیدان حضرت امام حسین علیه‌السلام، وفاداری یاران، نقش اهل بیت پس از شهادت، تأثیرگذاری امام زین العابدین علیه‌السلام و زینب کبری علیها‌السلام در تداوم نهضت، الگو گشتن آن در راستای حرکت تاریخ و ده‌ها موضوع دیگر ذهن کاوشگران و اندیشمندی پژوهشگران را به خود مشغول ساخته و از دیرباز تاکنون هر یک به فراخور ظرفیت و استعداد و درک و برداشت خود مطالبی را گردآوری کرده و برخی به تحلیل مسائل پرداخته‌اند. از قرن اول تاکنون، ده‌ها تن از دانشمندان و مورخان، با نگارش کتاب مقتل الامام الحسین علیه‌السلام و یا در ضمن بحث‌های تاریخی خود، فاجعه‌ی فراموش‌نشده‌ی کربلا را آورده و به ذکر وقایع آن برآمده‌اند. مسئله‌ی بازگشت اهل بیت علیهم‌السلام و از آن‌جا به مدینه، یکی از مسائل مهم تاریخ نهضت حسینی است و چون برخی مشکلات تاریخی به همراه دارد، هر سال به هنگامه‌ی ماه صفر و تجدید خاطره و یاد حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام در روز اربعین، بر سر زبانها

می‌افتد و عده‌ای به چگونگی آن و برخی به نفی و اثبات آن می‌پردازند و عده‌ای ساکت و بی‌نظر از کنار آن می‌گذرند. از آن جایی که این رویداد بسیار پراهمیت است و عده‌ای از بزرگان درباره‌ی آن قلم زده‌اند، لذا ما را به نقد و بررسی نظرات و نگارش مطالبی پیرامون این مهم واداشت، امیدوارم که از نقطه نظرات صاحب‌نظران و انتقادات ایشان بهره‌مند شوم.

محمد امین پورامینی

۲۹ / صفر المظفر ۱۴۲۳ برابر با ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۸۱

## شوق لقا

زیارت مرقد پاک قبر امام حسین علیه‌السلام دارای جایگاهی بلند و بسیار رفیع و از خصوصیات منحصر به فردی برخوردار است. در این بخش با بهره‌گیری از روایات، به زوایای گوناگون این بحث خواهیم پرداخت.

## نخستین زائر امام حسین کیست؟

ابن نما حلی، از ابن‌عایشه روایت می‌کند که سلیمان بن قته‌ی عدوی، سه روز پس از شهادت امام حسین علیه‌السلام از کربلا عبور کرد و چون نگاهش بر جای قتلگاه ایشان افتاد، تکیه بر اسب عربی خود نمود و این ابیات را سرود:

مررت علی أبیات آل محمد

فلم أرها أمثالها یوم حلت

ألم تر أن الشمس أضحت مریضه

لفقد الحسین و البلاد اقشعرت

و كانوا رجاءا ثم أضحووا رزیه

لقد عظمت تلک الرزایا و جلت

و تسألنا قیس فنعطی فقرها

و تقتلنا قیس اذا النعل زلت

و عند غنی قطره من دماءنا

سنطلبهم یوم بها حیث حلت

فلا یبعد الله الدیار و أهلها

و ان أصبحت منهم برغم تخلت

فان قتیل الطف من آل هاشم

أذل رقاب المسلمین فذلت

و قد أعولت تبکی النساء لفقدته

و أنجمنا ناحت علیه و صلت [۱].

ممکن است کسی بگوید که بنابر این روایت، نخستین زائر را باید سلیمان بن قته دانست؛ ولی این سخن با توجه به مطالب زیر، قابل‌پذیرش نیست: ۱. تاکنون کسی او را به این عنوان نشناخته و شناسانده است. ۲. نقل با این خصوصیت را تنها



ابن نما نقل کرده است؛ در حالی که برخی تاریخ نویسان، به ذکر مرثیه و اشعار او در کربلا بسنده نموده‌اند، بدون آن که زمان آن را معین سازند [۲] و بیشتر ایشان تنها ابیات او را نقل کرده‌اند، بدون آن که به مکان و زمان آن تصریح نمایند. [۳].

۳. این روایت، ناظر به عبور سلیمان از کربلاست و این با عنوان زیارت فرق می‌کند؛ چون عبارتی که ابن نما آورده این است: مر سلیمان بن قته العدوی مولی بنی تمیم بکربلاء بعد قتل الحسین علیه السلام بثلاث، فنظر الی مصارعهم، فانکأ علی فرس له عربیه، و أنشأ...؛ سلیمان بن قته‌ی عدوی پس از گذشت سه روز از شهادت حسین علیه السلام از کربلا گذشت و به جایگاه شهادتشان نگاه افکند و درحالی که به اسب عربی خود تکیه نموده بود، چنین سرود... [۴]. و عبور از آن مکان مقدس اعم از آن است که به قصد زیارت باشد یا نباشد و این غیر از عمل کسی است که به قصد زیارت قبر آن حضرت، رنج سفر را بر خود هموار سازد و عواقب این کار را به جان بخرد. با توجه به این مطلب، حال عبیدالله بن حر جعفری نیز روشن می‌شود، او که دعوت شخص امام حسین علیه السلام را برای یاری رسانی نپذیرفته بود و به گمان خود با زرنگی توانسته بود رعایت بی طرفی را نموده و از حضور در لشکر ابن زیاد نیز سرباز زند، پس از واقعه‌ی جانگداز کربلا، هنگامی که از سوی ابن زیاد بازخواست شد، بر جان خود ترسید و از کوفه فرار کرد و به کربلا آمد و با نهایت پشیمانی از یاری نرساندن به فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله اشعاری را سرود. [۵] ولی باز نمی‌توان عنوان شریف «زائر» را بر او منطبق ساخت. افزون بر آن زمان حضور او را در کربلا دقیقاً نمی‌دانیم. «زیارت» قبر حسین علیه السلام تنها پس از دفن جسد مطهر است، نه پیش از آن. و با این بیان، بنی‌آسد را که توفیق دفن اجساد مطهر را یافتند، نمی‌توان داخل در عنوان فوق دانست. با توجه به این مطالب، باید جابر بن عبدالله انصاری را نخستین کسی دانست که شرافت کسب این عنوان را پیدا نموده است؛ چون او کسی است که به قصد زیارت قبر سالار شهیدان، أباعبدالله الحسین علیه السلام، با توجه به کهولت سنی خود و با در نظر گرفتن شرایط بسیار سخت سیاسی روز، از مدینه به کربلا آمد؛ چنان که بسیاری از بزرگان به این مطلب تصریح نموده‌اند. شیخ مفید می‌فرماید: و فی الیوم العشرین منه - صفر - . . . هو الیوم الذی ورد فیہ جابر بن عبدالله الأنصاری صاحب رسول الله صلی الله علیه و آله و رضی الله تعالی عنه من المدینة الی کربلاء، لزیارة قبر سیدنا أبی عبدالله علیه السلام، فکان أول من زاره من الناس؛ بیستم ماه صفر، روزی است که جابر بن عبدالله انصاری، یار رسول خدا صلی الله علیه و آله، به قصد زیارت قبر حضرت أباعبدالله علیه السلام، از مدینه به کربلا رفت و او نخستین کسی است که به زیارت قبر آن حضرت شتافت. [۶]. و این مطلب را بسیاری از عالمان و دانشمندان نقل کرده‌اند. شیخ طوسی [۷]، علامه‌ی حلی [۸]، شیخ رضی الدین علی بن یوسف بن مطهر حلی [۹]، شیخ کفعمی [۱۰]، علامه‌ی مجلسی [۱۱] محدث نوری از جمله‌ی این دانشمندان‌اند. [۱] مثیر الأحزان، ص ۱۱۰؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۲۹۳. [۲] تذکره الخواص، ص ۲۷۲؛ اللهوف، ص ۲۳۳؛ ینابیع المودة، ج ۳، ص ۱۰۰. [۳] الطبقات الکبری، (ترجمه الامام الحسین علیه السلام من القسم غیر المطبوع)، ص ۹۲؛ مقاتل الطالبیین، ص ۱۲۱، أنساب الأشراف، ج ۳، ص ۴۲۰؛ المناقب، ج ۴، ص ۱۱۷؛ مروج الذهب، ج ۳، ص ۶۴؛ تهذیب الکمال، ج ۶، ص ۴۴۷؛ سیر أعلام النبلاء، ج ۳، ص ۳۱۸؛ الاستیعاب، ج ۱، ص ۳۷۹؛ تهذیب ابن عساکر، ج ۴، ص ۳۴۵؛ البداية و النهایة، ج ۸، ص ۲۱۳؛ جواهر العقدين، ج ۲، ص ۳۳. [۴] مثیر الأحزان، ص ۱۱۰. [۵] سبط ابن جوزی در تذکره الخواص، ص ۲۷۰ اشعار وی را این گونه آورده است:

يقول أمير غادر أي غادر \*\*\* ألا كنت قاتلت الشهيد بن فاطمة  
ونفسي على خذلانه واعتزاليه \*\*\* وبيعه هذا الناكث العهد لائمه  
فياندمي ألا أكون نصرته \*\*\* ألا كل نفس لا تسدد نائمه

وانى على أن لم أكن من حماته \*\*\* لذو حسرة ما ان تفارق لازمه  
سقى الله أرواح الذين تآزروا \*\*\* على نصره سقيا من الغيث دائمه  
وقفت على أطلالهم و محالهم \*\*\* فكاد الحشى ينفض و العين ساجمه  
لعمرى لقد كانوا سراعا الى الوغى \*\*\* مصاليت فى الهيجا حماه خضارمه  
فان يقتلوا فى كل نفس بقيه \*\*\* على الأرض قد أضحت لذلك واجمه  
و ما أن رأى الراؤن أفضل منهم \*\*\* لدى الموت سادات و زهر قمامه  
أيقتلهم ظلما و يرجوا و دادنا \*\*\* فدع خطه ليست لنا بملائمه  
لعمرى لقد ارغتمونا بقتلهم \*\*\* فكم ناغم منا عليكم و ناقمه  
أهم مرارا أن أسير بجحفل \*\*\* الى فئه زاعت عن الحق ظالمه  
فكفوا و الا زرتكم فى كتاب \*\*\* أشد عليكم من زحوف الديالمه .

[۶] مسار الشيعة ، ص ۴۶ . [۷] مصباح المتعهد ، ص ۷۳۰ . [۸] منهاج الصلاح ، بناير نقل لؤلؤ و مرجان ، ص ۱۴۷ . [۹] العدد القويه ، ص ۲۱۹ ، ص ۱۱ ؛ بحار الأنوار ، ج ۹۸ ، ص ۱۹۵ . [۱۰] مصباح كفعمى ، ص ۴۸۹ . [۱۱] بحار الأنوار ، ج ۱۰۱ ، ص ۳۳۴ .

### بررسی شخصیت جابر بن عبدالله الانصاری

جابر بن عبدالله ، از شخصیت‌های بسیار برجسته و محترم دنیای اسلام است که از موضع گیریهای بسیار خوب فکری و سیاسی برخوردار بوده است . کشی ، چنین روایت کرده است : او از پیشتازان گرد آمده اطراف وجود امیر مؤمنان علیه السلام [۱] و جزء گروه هفتاد نفر [۲] و آخرین کس باقی مانده از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و از پیروان اهل بیت علیهم السلام بود . او در حالی که عمامه‌ی سیاهی بر سر داشت ، در مسجد می نشست و صدا می زد : ای باقر العلم ! [۳] و در حالی که تکیه بر عصایش زده بود ، در کوچه‌های مدینه می گشت و می گفت : علی خیر البشر ؛ علی برترین بشر است . [۴] و چون پیر مرد شده بود ، حجاج کاری به او نداشت . [۵] . محدث نوری می گوید : او از پیشتازان گرد آمده‌ی اطراف وجود امیر مؤمنان علی علیه السلام و حامل سلام پیامبر صلی الله علیه و آله برای امام باقر علیه السلام و نخستین زائر قبر أباعبدالله الحسین علیه السلام و روایتگر خبر لوح (در بردارنده‌ی نص خداوند بر امامت امامان) بود و او تنها صحابی پیامبر صلی الله علیه و آله بود که آن لوح را نزد فاطمه‌ی زهرا علیها السلام دیده بود . او دارای مناقبی دیگر و فضایی بی شمار بود . [۶] . محدث قمی می گوید : او صحابی و یار جلیل القدر پیامبر بود و پیوستگی او به اهل بیت علیهم السلام و جلالت او ، مشهورتر از آن است که ذکر شود . وی به سال ۷۸ از دنیا رفت و روایاتی که دلالت بر فضل او نماید ، بسیار است . . . از أسد الغابه منقول است که او هجده جنگ را در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله ، و جنگ صفین را در رکاب امیر مؤمنان علی علیه السلام حاضر شد و در آخر عمر کور گردید . . . [۷] . آیت الله خویی می نویسد : او جنگ بدر [۸] و هجده غزوه را همراه پیامبر صلی الله علیه و آله حاضر شد و از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و از بهترین یاران امیر مؤمنان و از جمله شرطه الخمیس بود . وی از یاران امام حسن و امام حسین و امام سجاد و امام باقر علیهم السلام و جلیل القدر بود . . . کلینی با سند صحیح خود از امام باقر علیه السلام این سخن را درباره‌ی وی روایت کرده است : هیچ گاه جابر دروغ نگفته است . [۹] . در این جا برخی فضایل و برجستگیهای زندگی جابر بن عبدالله انصاری را برمی شماریم [۱۰] : - او و پدرش هر دو از یاران رسول خدا بودند . [۱۱] وی از اهل بیت

رضوان، و از شاهدان شب دوم عقبه، و از حاضران در جنگ خندق و بیعت شجره بوده است. [۱۲]. در جریان عقبه، او که کودکی بیش نبود، همراه پدر در جمله‌ی هفتاد تنی بود که در آنجا با رسول خدا صلی الله علیه و آله بیعت نمودند. [۱۳]. او که نسالی است که از یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان و امام حسن و امام حسین و امام زین العابدین و امام باقر علیهم السلام شمرده می‌شود [۱۴] و به هنگام مرگ حدود ۹۰ سال داشت. [۱۵]. او از راویانی است که عده‌ی زیادی از وی نقل حدیث نموده‌اند. برخی احادیث وی را تا ۱۵۴۰ روایت شمرده‌اند [۱۶] و از این رو، از وی به عنوان کسی یاد می‌کنند که از جمله مکثرین در حدیث و حافظان سنن بوده است. [۱۷]. ابن عقده وی را منقطع به اهل بیت علیهم السلام معرفی نموده [۱۸] و برقی او را از اصفیا می‌داند. [۱۹]. برجستگی علمی وی به حدی است که ذهبی او را فقیه و مفتی مدینه در زمان خود معرفی نموده [۲۰] و مرحوم سید امین، وی را از اجلای مفسران می‌داند. [۲۱].

پی نوشتها

[۱] اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۳۸، ح ۷۸.

[۲] همان، ج ۱، ص ۴۱، ح ۸۷.

[۳] همان، ج ۱، ص ۴۱، ح ۸۸.

[۴] همان، ج ۱، ص ۴۴، ح ۹۳.

[۵] همان، ج ۲، ص ۱۲۴، ح ۱۹۵.

[۶] مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۵۸۰ (الفائدة الخامسة من الخاتمة)، ترجمه‌ی جابر؛ سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۴۱.

[۷] سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۴۱ - ۱۴۰.

[۸] عبدالله بن عماره بن قدح روایت کرده است که جابر تمامی مشاهد را جز جنگ بدر حاضر گردیده است (ر. ک: تهذیب الکمال، ج ۴، ص ۴۴۸)، ولی این مسئله مورد اختلاف است، ابن اثیر تصریح می‌کند که برخی می‌گویند که وی در بدر نیز حاضر بوده است (ر. ک: اسد الغابۀ، ج ۱، ص ۲۵۷)، و برخی روایات در کتابهای فریقین بر این مطلب دلالت دارد، از جمله شیخ طوسی به نقل از حضرت امام باقر علیه السلام درباره جابر نقل می‌کند که: «او بدری، احدی، شجری... بوده است» (ر. ک: سفینه البحار، ج ۱، ص ۵۳۴) و بخاری نیز از جابر روایت کرده است که در روز بدر برای اصحاب آب می‌رسانده است (ر. ک: تاریخ البخاری، ج ۲، ص ۲۰۷، ح ۲۲۰۸)، و کلبی نیز تصریح به حضور وی در جنگ بدر دارد (ر. ک: اعیان الشیعة، ج ۴، ص ۴۶).

[۹] معجم رجال الحدیث، ج ۴، ص ۳۳۰، ش ۲۰۲۶؛ المفید من معجم رجال الحدیث، ص ۱۰۰.

[۱۰] تفصیل آن را در کتاب ما بعد شهادة الحسین علیه السلام اثر نگارنده مطالعه فرماید.

[۱۱] تهذیب الکمال، ج ۴، ص ۴۴۳.

[۱۲] سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۳۳۶.

[۱۳] کتاب الثقات، ج ۳، ص ۵۱؛ المعجم الکبیر، ج ۲، ص ۱۸۰، ح ۱۷۳۰ و ۱۷۳۱؛ مختصر تاریخ دمشق، ج ۵، ص ۳۷۵.

[۱۴] اعیان الشیعة، ج ۴، ص ۴۶.

[۱۵] سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۳۳۷.

[۱۶] سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۳۳۹.

[۱۷] اسد الغابۀ، ج ۱، ص ۲۵۷.

[۱۸] تنقیح المقال، ج ۱، ص ۱۹۹.

[۱۹] اعیان الشیعۀ، ج ۴، ص ۴۶.

[۲۰] سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۳۳۶.

[۲۱] اعیان الشیعۀ، ج ۴، ص ۳۳۶.

### بررسی شخصیت عطیة بن سعد عوفی

ابوحسن، عطیة بن سعد بن جنادهی عوفی، از دانشمندان بنام اسلامی و از مفسران قرآن کریم، شخصیتی است که توفیق همراهی جابر را در زیارت قبر ابا عبدالله الحسین علیه السلام یافته است و می توان او را دومین زائر آن حضرت دانست. مرحوم محدث قمی می فرماید: «عطیة عوفی یکی از مردان علم و حدیث است که اعمش و دیگران از وی روایت نقل نموده اند و از او روایات زیادی در فضیلت امیرمؤمنان علیه السلام نقل شده است.» [۲۲]. برخی از فضایل این شخصیت بزرگ عبارت است از: - انتخاب نام وی توسط امیرمؤمنان علیه السلام؛ هنگامی که وی ولادت یافت، پدرش به آن حضرت گفت: پسری از من به دنیا آمده است، نامی بر او بگذار. آن حضرت فرمود: هذا عطیة الله؛ او دادهی خداوند است. از این روی او را «عطیة» نام نهادند. - توفیق زیارت قبر سیدالشهدا علیه السلام همراه جابر بن عبدالله انصاری. - پس از خروج ابن اشعث و فرار عطیة به فارس، حجاج به محمد بن قاسم ثقفی نوشت که عطیة را فراخوان. اگر او علی بن ابی طالب را لعن کرد که هیچ، و گرنه به او چهارصد ضربه شلاق بزن و موی سر و ریش او را بزن. عطیة پس از احضار، از انجام این کار سر باز زد و ضربات شلاق و تحمل اهانت را در ولای مولای خود به جان خرید. - او دارای تفسیر قرآن در پنج جزء بود. این سخن از اوست: «من قرآن را سه بار با دید تفسیری و هفتاد بار با نگاه قرآنی بر ابن عباس عرضه داشتم.» [۲۳].

[۲۲] سفینه البحار، ج ۲، ص ۲۰۵ (مادهی عطا).

[۲۳] سفینه البحار، ج ۲، ص ۲۰۵، (مادهی عطا).

### نخستین زیارت

شیخ ابوجعفر محمد بن ابی القاسم محمد بن علی طبری به سندش از عطیة عوفی نقل می کند: همراه جابر بن عبدالله انصاری به قصد زیارت قبر حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام بیرون آمدیم. هنگامی که به کربلا وارد شدیم، جابر خود را به کنار فرات رساند و غسل کرد. لنگ به کمر بسته و حوله را بر دوش انداخت و خود را خوشبو ساخت. هر گامی که برمی داشت ذکر خدا می گفت، تا آن گاه که نزدیک قبر رسید. به من گفت: دستانم را بر قبر او بگذار. چنان کردم. خود را بر قبر مطهر انداخت و بی هوش افتاد. قدری آب بر او پاشیدم. وقتی که به هوش آمد، سه بار گفت: «یا حسین!»، سپس گفت: حیب لا- حیب احبیب؛ آیا دوست پاسخ دوستش را نمی دهد؟ آن گاه گفت: چگونه پاسخ دهی و حال آن که رگهای گردنت بر پشت و شانوات آویخته و بین بدن و سرت جدایی افتاده است، و پس از آن، آن حضرت را با کلماتی که نشان از کمال ایمان وی دارد، این گونه زیارت می کند: فأشهد أنك ابن خاتم النبیین، و ابن سید المؤمنین، و ابن حلیف التقوی، و سلیل الهدی، و خامس أصحاب الکساء، و ابن سید النقباء، و ابن فاطمة سیده النساء، و ما لک لا تکون هکذا، و

قد غدتك كف سيد المرسلين ، و ريت في حجر المتقين ، و رعت من ثدى الايمان ، و فطمت بالاسلام ، فطبت حيا ، و طبت ميتا ، غير أن قلوب المؤمنين غير طيبة لفراقك ، و لا شاكه في الخيره لك ، فعليك سلام الله و رضوانه ، و أشهد أنك مضيت على ما مضى عليه أخوك يحيى بن زكريا ؛

شهادت می‌دهم که تو فرزند خاتم پیامبران و سید مؤمنان هستی . و تو هم پیمان پرهیزکاری و نتیجه‌ی هدایت و پنجمین اصحاب کسای . و تو فرزند سید نقیبان و زاده‌ی فاطمه سیده‌ی بانوانی ، و چگونه چنان نباشی و حال آن که دستان سید مرسلان غذایت داد و در دامن پرهیزکاران پرورش یافتی و از سینه‌ی ایمان شیر خوردی و با اسلام از آن جدا گشتی . پس خوب زیستی و خوب به لقای الاهی رسیدی ، گر چه دل‌های مؤمنان از فراق تو آرامش نمی‌گیرد ، و هیچ شک و تردیدی را در انتخاب صحیح تو و آنچه که در آن خیر و صلاح توست ، به خود راه نمی‌دهد . پس بر تو سلام و رضوان خدا باد . و گواهی می‌دهم که تو بر همان راهی قرار گرفتی که برادرت یحیی ، فرزند زکریا ، بر آن قدم نهاد . آن‌گاه نگاهش را به اطراف قبر مطهر دوخت و خطاب به شهیدان گلدشت کربلا- گفت : سلام بر شما ای ارواحی که در اطراف حسین رحل افکندید . . . ! شهادت می‌دهم که شما نماز را به پا داشتید و زکات را پرداختید و امر به معروف نمودید و نهی از منکر کردید و با کافران به جنگ برخاستید و خدا را بندگی نمودید تا آن‌که به حد یقین رسیدید . قسم به آن کسی که محمد را به پیامبری برانگیخت ! که ما در آنچه که انجام دادید شریک هستیم . عطیه می‌گویم : به او گفتم : ای جابر ! چگونه ما با آنان شریکیم و حال آن‌که کاری نکردیم . نه در دشتی فرود آمدیم و نه بر کوهی بالا- رفتیم و نه جنگیدیم و اینان بین سرها و بدن‌هایشان جدایی افتاد و فرزندان‌شان یتیم و زنان‌شان بی‌سرپرست شدند ! ؟ جابر گفت : ای عطیه ، از حبیب خودم رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود : «هر کس که قومی را دوست بدارد ، با آنان محشور گردد و هر کس که کار قومی را دوست بدارد در عملشان شریک گردد . » قسم به کسی که محمد را به پیامبری برانگیخت که نیت من و یاران من ، با نیت و قصد حسین و یارانش یکی است . مرا به سمت خانه‌های کوفه ببر . . . [۱] . این خبر به خوبی وضعیت جابر را روشن می‌سازد . چرا که از یک طرف ژرفای شناخت و معرفت وی را نسبت به آل محمد صلی الله علیه و آله روشن و ادب زیارت او را آشکار ساخته ، و از سوی دیگر ، دشمنان امام حسین علیه‌السلام را ملحدان و بی‌دینان معرفی نموده است و به خوبی میزان تولی و تبری وی را آشکار ساخته است . سید بن طاووس چگونگی زیارت جابر را با تفصیلی دیگر به نقل از عطا [۲] این‌گونه آورده است : من در روز بیستم ماه صفر با جابر بن عبدالله همراه بودم . هنگامی که به غاضریه رسیدیم ، در نهر آب غسل کرد و پیراهن پاکی که همراه داشت به تن کرد . پس به من گفت : آیا چیزی از مواد خوشبو کننده همراه داری ؟ گفتم : سعد [۳] دارم ، مقداری از آن را بر سر و تن خود قرار داد و با پای برهنه به راه افتاد و در برابر سر مبارک حسین علیه‌السلام ایستاد و سه بار تکبیر گفت و بی‌هوش روی قبر افتاد . هنگامی که به هوش آمد ، شنیدم که چنین می‌گفت : السلام علیکم یا آل الله السلام علیکم یا صفوة الله ، السلام علیکم یا خیره الله من خلقه ، السلام علیکم یا سادة السادات ، السلام علیکم یا لیوث الغابات ، السلام علیکم یا سفینه النجاة ، السلام علیکم یا أباعدالله و رحمته الله و برکاته ، السلام علیکم یا وارث علم الأنبياء ، السلام علیکم یا وارث آدم صفوة الله ، السلام علیکم یا وارث نوح نبی الله ، السلام علیکم یا وارث ابراهیم خلیل الله ، السلام علیکم یا وارث اسماعیل ذبیح الله ، السلام علیکم یا وارث موسی کلیم الله ، السلام علیکم یا وارث عیسی روح الله ، السلام علیکم یا ابن محمد المصطفی ، السلام علیکم یا ابن علی المرتضی ، السلام علیکم یا ابن فاطمة الزهراء ، السلام علیکم یا شهید بن شهید ، السلام علیکم یا قتیل بن قتیل ، السلام علیکم یا ولی الله و ابن ولیه ، السلام علیکم یا حجة الله و ابن حجة علی خلقه ، أشهد أنك قد أقمت الصلاة ، و آتیت الزکاة ، و أمرت بالمعروف ، و نهیت عن المنکر ، و بررت والدیك ، و جاهدت عدوک ، أشهد أنك

تسمع الکلام ، و ترد الجواب ، و أنك حبيب الله و خلیله و نجیبه و صفیه و ابن صفیه ، زرتک مشتاقا ، فکن لی شفیعاً الی الله ، یا سیدی ، أستشفع الی الله بجدک سید النبیین ، و بأبیک سید الوصیین ، و بأمک سیده نساء العالمین ، لعن الله قاتلیک و ظالمیک و شائیک و مبغضیک من الأولین و الآخرین ؛

سلام بر شما ای آل الله . سلام بر شما ای برگزیدگان خدا . سلام بر شما ای کسانی که خداوند ایشان را از میان خلق خود برگزید . سلام بر شما ای سروران سرورها . سلام بر شما ای شیران جنگلها . سلام بر شما ای کشتی نجات . سلام بر تو ای اباعبدالله . و رحمت و برکت خداوندی بر تو باد ! سلام بر تو ای وارث علم پیامبران . سلام بر تو ای وارث آدم ، برگزیدهی خدا . سلام بر تو ای وارث نوح ، پیامبر خدا . سلام بر تو ای وارث ابراهیم ، خلیل الله . سلام بر تو ای وارث اسماعیل ذبیح الله . سلام بر تو ای وارث موسی ، کلیم الله . سلام بر تو ای وارث عیسی ، روح الله . سلام بر تو ای فرزند محمد مصطفی . سلام بر تو ای فرزند علی مرتضی . سلام بر تو ای فرزند فاطمهی زهرا . سلام بر تو ای شهید فرزند شهید . سلام بر تو ای کشتهی فرزند کشته . سلام بر تو ای ولی خدا و فرزند حجت او بر خلقش . گواهی می‌دهم که تو نماز را به پا داشتی و زکات را پرداختی و امر به معروف و نهی از منکر نمودی و به پدر و مادرت نیکی روا داشتی و تو با دشمنت به جهاد برخاستی . شهادت می‌دهم که تو سخن من را می‌شنوی و پاسخ من را می‌دهی و تو حیب و دوست و نجیب و برگزیدهی خداوند و فرزند برگزیدهی او هستی . با حالت اشتیاق به زیارت تو شتافتم ، پس به درگاه خداوند شفیع من باش . آقای من ! من به واسطه‌ی جد ، تو سید پیامبران و پدر تو سید وصیان و مادر تو سرور زنان جهانیان ، شفاعت را خواهانم . خداوند لعنت کند کشندگان و ستمکاران و بدگویان و دشمنان تو را ، از اول ایشان تا آخرشان . آن‌گاه خود را بر روی قبر انداخت و دو گونه‌ی خود را بر آن نهاد و سپس چهار رکعت نماز خواند و به سمت قبر علی اکبر علیه‌السلام آمد و گفت : السلام علیک یا مولای و ابن مولای ، لعن الله قاتلک ، لعن الله ظالمک ، أتقرب الی الله بمحبتکم ، و أبرأ الی الله من عدوکم ؛ سلام بر تو ای مولا- و فرزند مولا-یم ! خدا لعنت کند کشته‌ی تو را ! خدا لعنت کند ستم کننده‌ی به تو را ! با دوستی به شما به خداوند نزدیک می‌شوم و از دشمنانتان نزد خداوند بیزاری می‌جویم . سپس قبر را بوسید و دو رکعت نماز خواند و رو به شهیدان نمود و گفت : السلام علی الأرواح المنیخه بقبر ابي عبدالله ، السلام علیکم یا شیعه الله و شیعه رسوله و شیعه امیرالمؤمنین و الحسن و الحسین ، السلام علیکم یا طاهرون ، السلام علیکم یا مهدیون ، السلام علیکم یا ابرار ، السلام علیکم و علی ملائکه الله الحافین بقبورکم ، جمعنی الله و ایاکم فی مستقر رحمته تحت عرشه ؛ سلام بر ارواحی که گرداگرد قبر اباعبدالله رحل افکنده‌اند . سلام بر شما ای شیعیان خدا و پیروان فرستاده‌ی او و تابعان امیرمؤمنان و حسن و حسین . سلام بر شما ای پاکان . سلام بر شما ای هدایت گران . سلام بر شما ای نیکان . سلام بر شما و بر فرشتگان خداوندی که بر گرد قبرهایتان می‌گردند . خداوند من و شما را در جایگاه رحمت و در زیر عرش خود به هم رساند . پس از آن به سمت قبر عباس فرزند امیرمؤمنان علیهماالسلام آمد و در حال ایستاده گفت : السلام علیک یا أباالقاسم ، السلام علیک یا عباس بن علی ، السلام علیک یا ابن امیرالمؤمنین ، أشهد لقد بالغت فی النصیحه ، و أدیت الأمانه ، و جاهدت عدوک و عدو أخیک ، فصلوات الله علی روحک الطیبه ، و جزاک الله من أخ خیرا ؛ سلام بر تو ای ابوقاسم . سلام بر تو ای عباس بن علی . سلام بر تو ای فرزند امیرمؤمنان . شهادت می‌دهم که تو نهایت کوشش را در نصیحت به کار بستی و حق امانت را به جا آوردی و بادشمن خود و برادرت به جهاد برخاستی . پس درود خداوندی بر روح پاک تو باد . و خداوند در برابر خدمتی که به برادرت نمودی ، پاداش خیرت دهد . آن‌گاه دو رکعت نماز خواند و دعا کرد و برگشت [۴] . در هر صورت ، جابر همراه عطیه به شرف زیارت نایل آمد ؛ گر چه روشن نیست که چگونه عطیه به جابر پیوسته و هم سفر گردیده است و دو احتمال در این‌جا وجود دارد : ۱ . عطیه در آن سال به حج مشرف شده باشد و همراه

جابر، از حجاز به سمت کربلا آمده باشد. ۲. جابر خود به کوفه آمده و از آنجا همراه وی به کربلا مشرف شده باشد. زمان زیارت نیز بر روایت ابن طاووس، روز بیستم صفر بوده است. ملاقات ایشان با امام زین العابدین علیه السلام و همراهانشان را در هیچ یک از دو روایت طبری و ابن طاووس نمی یابیم و این نکته را در بحثهای آینده باید در نظر داشت.

پی نوشتها

- [۱] بشارة المصطفی، ص ۷۴، و همین مضمون با اندکی تفاوت در مقتل خوارزمی، ج ۲، ص ۱۹۰ دیده می شود.
- [۲] ظاهراً مقصود از عطا همان عطیه است، همان طوری که محدث نوری نیز این احتمال را داده است، ر. ک: لؤلؤ و مرجان، ص ۱۴۹.
- [۳] سعد مادهی گیاهی خوشبو کننده است. ابن منظور می نویسد: السعد بالضم: من الطیب، و السعدی مثله... قال الأزهری: السعد: نبت له أصل تحت الأرض أسود طيب. (ر. ک: لسان العرب ج ۳، ص ۳۱۶).
- [۴] مصباح الزائر، ص ۲۸۶؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۳۲۹.

### آیا اهل بیت به کربلا آمدند؟

مسئلهی ورود اسیران اهل بیت به کربلا، امری است غیر قابل انکار. چرا که افزون بر امکان آن، اصل واقعه در بسیاری از کتب تاریخی آمده است. ابن نما (م ۶۴۵) آورده است: و لما مر عیال الحسین علیه السلام بکربلاء وجدوا جابر بن عبدالله الأنصاری، رحمه الله علیه و جماعه من بنی هاشم قدموا لزیارته فی وقت واحد، فتلاقوا بالحزن و الاکتئاب و النوح علی هذا المصاب المقرح لأکباد الأحباب؛ و هنگامی که اهل بیت حسین علیه السلام به کربلا رسیدند، جابر بن عبدالله انصاری و گروهی از بنی هاشم را یافتند که برای زیارت آن حضرت آمده و هم زمان به هم رسیده بودند. آنان با حزن و اندوه و ناله بر این مصیبت دلسوز گرد هم آمدند و به سوگواری پرداختند. [۱]. سید ابن طاووس (م ۶۶۴) می گوید: فوصلوا الی موضع المصرع، فوجدوا جابر بن عبدالله الأنصاری رحمه الله و جماعه من بنی هاشم و رجالا من آل الرسول صلی الله علیه و آله قد وردوا لزیارة قبر الحسین علیه السلام، فوافوا فی وقت واحد، و تلاقوا بالبكاء و الحزن و اللطم؛ پس به جایگاه شهادت رسیدند و جابر بن عبدالله انصاری و گروهی از بنی هاشم و مردانی از آل پیامبر صلی الله علیه و آله را دیدند که برای زیارت قبر حسین علیه السلام، هم زمان گرد هم آمده بودند و گریه و اندوه سر داده و به سینهی خود می زدند. [۲]. از این بالاتر روایتی است که مرحوم شیخ صدوق به سند خود، از فاطمه ی بنت علی علیها السلام دربارهی جریان اسیران اهل بیت در شام نقل می فرماید، تا آنجا که فرمود: الی أن خرج علی بن الحسین علیه السلام بالنسوة و رد رأس الحسین علیه السلام الی کربلاء؛ تا آن گاه که حضرت علی بن حسین علیه السلام همراه زنان از شام خارج شد و سر حسین علیه السلام را به کربلا بازگرداند [۳]. مرحوم آیت الله حاج میرزا محمد اشراقی (ارباب) می فرماید: به حسب عادت، بعید می نماید که آن قافلهی دل شکسته که با اکراه و اضطراب از کربلا کوچ کردند و از گریه و سوگواری ممنوع شدند و اجساد شریفهی شهدای خود را مقابل آفتاب دیدند، بدون آگاهی بر حال مقابر مقدسه و اطلاع بر حال، به مدینه رجوع کنند و به زیارت آن تربت مقدسه فائز نشده برگردند [۴]. در این جا این پرسش به ذهن می رسد که چرا برخی از علما به این مسئله تصریح نکرده اند؟ در پاسخ می گوئیم: اولاً، بسیاری از دانشمندان این مطلب را ذکر کرده اند، که در صفحات آینده بیان خواهیم کرد. ثانیاً، عدم ذکر برخی از مورخان و بزرگان به معنای عدم حصول این واقعهی تاریخی نیست، و نمی توان به صرف عدم ذکر، این مسئله را انکار نمود. [۵]. بزرگانی که تنها به حرکت اهل بیت از شام به سمت مدینه اشاره نموده اند و سخنی از کربلا به میان نیاورده اند، عبارتند از: -

شیخ مفید، ایشان می‌نویسد: و فی العشرین منه (الصفرة) كان رجوع حرم سيدنا و مولانا أبي عبدالله عليه السلام من الشام الى مدينة الرسول صلى الله عليه و آله؛ بيستم ماه صفر روز بازگشت اهل بیت سید و مولای ما اباعبدالله الحسين عليه السلام از شام به سمت مدینه بود [۶]. - شیخ طوسی؛ ایشان چنین نگاشته است: و فی الیوم العشرین منه (صفر) كان رجوع حرم سيدنا أبي عبدالله الحسين بن علی بن ابی طالب عليه السلام من الشام الى مدينة الرسول صلى الله عليه و آله؛ در روز بیستم از ماه صفر اهل بیت سید ما اباعبدالله حسین بن علی بن ابی طالب علیهما السلام از شام به سوی مدینه ی پیامبر صلی الله علیه و آله بازگشتند [۷]. - شیخ رضی الدین علی بن یوسف بن مطهر حلّی؛ ایشان چنین آورده است: و فی الیوم العشرین من صفر سنة احدى و ستین أو اثین و ستین علی اختلاف الروایة به فی قتل مولانا الحسين عليه السلام، كان رجوع حرم مولانا أبي عبدالله الحسين عليه السلام من الشام الى مدينة الرسول صلى الله عليه و آله؛ در روز بیستم ماه صفر سال ۶۱ و یا ۶۲ [۸]، بنا بر اختلاف در روایت، بازگشت اهل بیت مولای ما حضرت اباعبدالله الحسين عليه السلام از شام به سمت مدینه صورت گرفت [۹]. - شیخ کفعمی؛ ایشان در کتاب المصباح می‌نویسد: و فی العشرین منه (الصفرة) كان رجوع حرم الحسين بن علی عليه السلام الى المدينة؛ در بیستم از ماه صفر اهل بیت حسین بن علی عليه السلام به سمت مدینه بازگشتند [۱۰]. و در جای دیگر کتاب آورده است: و فی هذا الیوم (العشرین من صفر) كان رجوع حرم الحسين عليه السلام من الشام الى المدينة؛ و در این روز (بیستم صفر) اهل بیت حسین عليه السلام از شام به مدینه بازگشتند [۱۱]. به نظر می‌رسد این بزرگان تنها در مقام مشخص ساختن روز خروج اهل بیت از شام به قصد مدینه بوده‌اند و در این جا به مسئله‌ی رفتن آنان به کربلا نظر نداشته‌اند؛ چه آن‌که مسئله‌ی رفتن به کربلا بعداً مطرح گردید. گرچه باید ریشه‌ی آن را درخواست امام زین العابدین عليه السلام از یزید برای بازگرداندن سر مطهر یافت. بنا بر مطالب پیش گفته می‌توان این گونه نتیجه گرفت:

یک. این بزرگان را نمی‌توان از مخالفان مسئله شمرد؛ دو. بر طبق نقل آنان، بیستم صفر، زمان خروج ایشان از شام به قصد مدینه است و این قصد، منافاتی با رفتن به کربلا ندارد؛ چون مرور از کربلا با قصد رفتن به مدینه که وطن اصلی ایشان است، قابل جمع است. سه. این که برخی، چون سید ابن طاووس، از ظاهر عبارت شیخ طوسی چنین برداشت کرده‌اند که مقصود ایشان این است که اهل بیت در بیستم صفر، به مدینه رسیده‌اند؛ خلاف ظاهر، و یا لا اقل مجمل است. ظاهر عبارت این است که در این روز از شام خارج شدند، نه آن‌که به مدینه رسیدند؛ چون کلمه‌ی «رجوع» غیر از کلمه‌ی «وصول» است و با این بیان، دیگر مجالی برای استبعاد سید ابن طاووس باقی نمی‌ماند.

پی نوشتها

[۱] مثير الأحزان، ص ۱۰۷.

[۲] اللهوف، ص ۲۲۵؛ تسلیة المجالس، ج ۲، ص ۴۵۸.

[۳] شیخ صدوق، الأمالی، ص ۲۳۲، ح ۲۴۳؛ روضة الواعظین، ص ۱۹۲، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۴۰؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۴۴۰.

[۴] الأربعین الحسینیة، ص ۲۰۷.

[۵] و به عبارتی دیگر عدم تصریح اعم از تصریح به عدم است.

[۶] مسار الشیعة، ص ۴۶.

[۷] مصباح المتهدج، ص ۷۳۰؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۳۳۴.

[۸] این تردید جا ندارد، سال شهادت حضرت اباعبدالله حسین عليه السلام، بنا بر قول مشهور و بلکه متواتر سال شصت و یک



هجری قمری بوده است .

[۹] العدد القویة ، ص ۲۱۹ .

[۱۰] مصباح کفعمی ، ص ۵۱۰ .

[۱۱] همان ، ص ۴۸۹

## کدامین اربعین

### چهل روز پس از شهادت

تعیین روز اربعین و سالی که اسیران اهل بیت در آن روز وارد کربلا شدند ، از مباحث مهم تاریخی در نهضت حسینی است ، که از دیرباز ذهن و اندیشه‌ی دانشمندان را مشغول ساخته و موجب طرح نظریات و احتمالات گوناگونی گردیده و عده‌ای را به نفی و اثبات آن وادار نموده است . جا دارد که در آغاز مطالبی را به عنوان پیش در آمد مطرح ساخته و آن گاه وارد اصل مسئله گردیم .

### اقوال در زمان بازگشت اهل بیت به کربلا

در رابطه‌ی با زمان بازگشت اهل بیت علیهم السلام به کربلا ، سه نظر وجود دارد : یک . آنان در اربعین اول ، یعنی در بیستم صفر سال ۶۱ هجری به کربلا آمدند . دو . ایشان در اربعین دوم ، یعنی در بیستم صفر سال ۶۲ هجری آمدند . سه . آنان در زمانی غیر از این دو تاریخ ، به کربلا مشرف شدند . حق در بحث این است که مسئله دائر مدار قول اول و سوم است . گرچه برخی از تاریخ نویسان [۱] قول دوم را ذکر کرده‌اند ، ولی نمی‌توان به آن اعتماد نمود ، چون خالی از استدلال و شواهد تاریخی است و تنها براساس ظن و گمانه زنی است . بنابراین ، مسئله را در دو محور اربعین اول و غیر آن قرار می‌دهیم ، و به ذکر دلایل هر دو نظریه و نقد آن می‌پردازیم . [۱] گویا احتمال آن را مرحوم سپهر در ناسخ التواریخ داده است و مرحوم آیت الله طوسی نجفی در مقتل الامام الحسین ، ص ۲۸۵ (مخطوط) آن را نقل نموده است .

### موافقان اربعین اول

عده‌ای از بزرگان ، نظر به بازگشت اهل بیت علیهم السلام در اربعین اول داده‌اند ، و یا دست کم از ظاهر کلام ایشان این معنا استفاده می‌شود : یک . ابوریحان بیرونی (م ۴۴۰) ؛ ایشان در کتاب الآثار الباقیه می‌نویسد : شهر صفر ؛ فی الیوم الأول : أدخل رأس الحسین علیه السلام مدینه دمشق ، فوضعه یزید لعنه الله بین یدیه ، و نقر ثنایاه بقضیب کان فی یده و هو یقول : لست من خندق ان لم أنتقم \*\*\* من بنی أحمد ما کان فعل لیت أشیاخی بیدر شهدوا \*\*\* جزع الخرج من وقع الأسل فأهلوا و استهلوا فرحا \*\*\* ثم قالوا یا یزید لا تشل قد قتلنا القرم من أشیاخهم \*\*\* و عدلناه بیدر فاعتدل

و فی العشرین رد رأس الحسین الی مجتمه [۱] حتی دفن مع جثته ، و فیه زیارة الأربعین ، و هم حرمه بعد انصرافهم من الشام [۲] ؛ در روز اول ماه صفر ، سر حسین علیه السلام را وارد دمشق نمودند ، و یزید - که لعنت خدا بر وی باد - آن را در مقابل خود

نهاد . . . و در روز بیستم آن ، سر حسین علیه‌السلام را به بدنش ملحق کردند و در همان جا دفن نمودند و زیارت اربعین درباره‌ی این روز است . و بدین سبب این زیارت را «اربعین» گویند که چهل تن از اهل بیت او پس از مراجعت از شام قبرش را زیارت کردند ! [۳] . دو . قرطبی (م ۶۷۱) در تذکره می‌نویسد : و الامامیة تقول ان الرأس أعید الی الجثه بکربلاء بعد أربعین یوما من القتل ، و هو یوم معروف عندهم یسمون الزیارة فیه زیارة الأربعین ؛ امامیه می‌گویند : سر مقدس ایشان پس از چهل روز به کربلا بازگردانده و به بدن ملحق شد و این روز نزد آنان معروف است و از آن به زیارت یاد می‌کنند و مقصود زیارت «اربعین» است [۴] . سه . زکریا بن محمد بن محمود قزوینی (م ۶۸۲) ؛ ایشان در کتاب عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات می‌نویسد : الیوم الأول منه : عید بنی امیه ، أدخلت فیه رأس الحسین علیه‌السلام بدمشق ، و العشرون منه ردت رأس الحسین الی جثته ؛ اول ماه صفر عید بنی‌امیه است ؛ چون در آن روز سر حسین علیه‌السلام را به دمشق وارد ساختند و در روز بیستم آن ماه ، سر ایشان را به بدن بازگردانده شد [۵] . چهار . شیخ بهایی (م ۱۰۳۰) ؛ ایشان در کتاب توضیح المقاصد چنین آورده است : التاسع عشر (من الصفر) ؛ فیه زیارة الأربعین لأبی عبدالله الحسین علیه‌السلام - وفی هذا الیوم و هو یوم الأربعین من شهادته علیه‌السلام کان قدوم جابر الأنصاری رضی الله عنه لزیارته علیه‌السلام ، و اتفق فی ذلك الیوم ورود حرمه علیه‌السلام من الشام الی کربلاء ، قاصدین المدینة علی ساکنه السلام و التحية ؛ روز نوزدهم ماه صفر ، زیارت اربعین حضرت امام حسین علیه‌السلام است . . . و در این روز که روز اربعین است ، روز ورود جابر بن عبدالله انصاری است ، که به زیارت قبر آن حضرت شتافت و آن روز با روز ورود اهل بیت امام حسین علیه‌السلام از شام به کربلا یکی گردید ؛ در حالی که ایشان قصد عزیمت به مدینه را داشتند . [۶] . پنج . مناوی (م ۱۰۳۱) در ضمن ذکر اقوال گوناگون درباره‌ی محل دفن سر مطهر امام حسین علیه‌السلام می‌گوید : و الامامیة یقولون الرأس أعید الی الجثه و دفن بکربلاء بعد أربعین یوما من القتل ؛ امامیه می‌گویند : پس از چهل روز از شهادت ، سر به بدن بازگردانده شد و در کربلا دفن گردید . [۷] . شش . علامه‌ی مجلسی (م ۱۱۱۰) در رابطه‌ی با علت استحباب زیارت سیدالشهداء علیه‌السلام در روز اربعین می‌فرماید : و المشهور بین الأصحاب أن العلة فی ذلك رجوع حرم الحسین صلوات الله علیه فی مثل ذلك الیوم الی کربلاء عند رجوعهم من الشام و الحاق علی بن الحسین صلوات الله علیه الرؤس بالأجساد ؛ مشهور بین اصحاب این است که علت آن ، بازگشت اهل بیت حسین علیه‌السلام در چنین روزی به کربلا است ، هنگامی که از شام باز می‌گشتند . و علی بن حسین علیه‌السلام سرهای مقدس را به اجساد ایشان ملحق ساخت . [۸] . - برخی از ظاهر این عبارت چنین برداشت کرده‌اند که ایشان شهرت بین اصحاب را درباره‌ی بازگشت اهل بیت در روز اربعین بازگو نموده‌اند . ممکن است گفته شود که متعلق شهرت ، استحباب زیارت حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام در روز اربعین است ، نه بازگشت اهل بیت در روز اربعین به کربلا ! هفت . شبرای می‌نویسد : و قیل أعید الی الجثه بکربلاء بعد أربعین یوما من مقتله ؛ گفته شده است که سر به بدن آن حضرت بعد از چهل روز پس از شهادت ، به بدن بازگردانده شد [۹] . هشت . شبلنجی (م ۱۳۲۲ [۱۰]) نیز می‌گوید : و ذهب الامامیة الی أنه أعید الی الجثه و دفن بکربلاء بعد أربعین یوما من المقتل ؛ نظر امامیه این است که سر آن حضرت به بدن ایشان ملحق گردید ، و چهل روز پس از شهادت آن حضرت در کربلا به خاک سپرده شد . [۱۱] . نه . آیت الله میرزا محمد اشراقی (ارباب) (م ۱۳۴۱ ق) پس از ذکر روایت بشاره المصطفی درباره‌ی زیارت جابر می‌نویسد : در این خبر معتبر ، مذکور نیست که زیارت جابر در روز اربعین بوده یا روز دیگر و نیز ذکر نشده که زیارت جابر در سال اول شهادت بود یا بعد ؛ لیکن مذکور در سایر کتب شیعه ، تحقق هر دو امر است . در هر حال ورود اهل بیت را به کربلا- در روز اربعین بسیاری ذکر کرده‌اند ، از عامه و خاصه ؛ مانند ابن نما و ابن طاووس و ابومخنف و صاحب کتاب نورالعین ، و از عبارت امالی صدوق نیز ظاهر شود که گوید : خرج علی بن الحسین علیه‌السلام

بالنسوة و رد الرأس الی کربلاء... و در سیره و تاریخ محفوظ است. که بعد از سال شهادت، اهل بیت مسافرتی به عراق نموده‌اند. ایشان پس از ذکر خلاصه‌ی نظر محدث نوری می‌فرماید: و حاصل او زیاده بر استبعاد چیزی نیست و امور منقوله را نتوان به استغراب تکذیب کرد، اگر چه سید بن طاووس با آن که خود او در کتاب لهوف ورود اهل بیت [۱۲] را در اربعین ذکر کرده، در کتاب اقبال استبعاد نموده و هرگاه کسی تأمل و تتبع در وضع مسافرت اعراب و خصوصا در ازمنه‌ی سابقه نموده باشد، می‌داند که این گونه طی مسافت ایشان خلاف عادت نیست، خصوصا هرگاه قافله‌ای شتاب داشته باشد و از این قبیل سرعت سیر (در) مسافرت بسی معهود است... در هر حال وجهی برای تکذیب ورود اهل بیت به کربلا نیست. [۱۳]. ده آیت الله شهید قاضی طباطبایی؛ ایشان رنج فراوانی در اثبات این مسئله تحمل نمود و کتابی بزرگ در این باره گردآوری نمود، که خلاصه‌ی ادله‌ی او را به هنگام طرح ادله‌ی محدث نوری خواهیم آورد. - گفتنی است که گرچه برخی از نقلهای فوق، تنها بازگرداندن سر مقدس به بدن طاهر آن حضرت در روز اربعین را ذکر کرده است، ولی از آن جا که مسئله‌ی الحاق سر به بدن، از مسئله‌ی بازگشت اهل بیت به کربلا جدا نیست، و بنابر قول مشهور این کار توسط امام زین العابدین علیه السلام صورت پذیرفت، از این رو سخن قرطبی و پس از آن قزوینی، مناوی، شبرای و شبلنجی را آوردیم.

پی نوشتها

[۱] جتته (خ ل).

[۲] الآثار الباقیة، ص ۴۲۲.

[۳] الآثار الباقیة، فصل ۲۰، ص ۵۲۸ (ترجمه‌ی اکبر دانا سرشت).

[۴] التذکره، ج ۲، ص ۶۶۸.

[۵] عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات، ص ۴۵.

[۶] توضیح المقاصد، ص ۶. همان گونه که گذشت، فرمایش ایشان که روز نوزدهم را روز اربعین دانسته‌اند، مبنی بر محاسبه‌ی روز عاشورا در ضمن عدد اربعین است، و ظاهر آن است که محاسبه از روز بعد است، و هیچ کس جز ایشان این روز را به عنوان روز اربعین معرفی نکرده است.

[۷] فیض القدر، ج ۱، ص ۲۰۵.

[۸] بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۳۳۴.

[۹] الاتحاف بحب الأشراف، ص ۷۰.

[۱۰] معجم المؤلفین، ج ۱۳، ص ۵۳.

[۱۱] نور الأبصار، ص ۱۲۱.

[۱۲] مرحوم سید در لهوف تنها ورود اهل بیت را به کربلا و ملاقات با جابر را نقل نموده‌اند، و زمان را معین نساخته‌اند.

[۱۳] الأربعین الحسینیة، ص ۲۰۷ - ۲۰۵.

## مخالفتان اربعین اول

عده‌ای از دانشمندان نتوانسته‌اند بازگشت اهل بیت علیهم السلام را در اربعین اول بپذیرند و آن را بعید و یا محال دانسته‌اند، که سخنان برخی از ایشان را می‌آوریم: یک. سید بن طاووس؛ ظاهرا ایشان نخستین کسی است که به این مطلب خدشه وارد می‌سازد، و با برداشتی که خود از کلام شیخ طوسی دارد، بازگشت اهل بیت را در این تاریخ بعید دانسته است. او می‌نویسد

: و وجدت في المصباح أن حرم الحسين عليه السلام و صلوا المدينة مع مولانا علي بن الحسين عليه السلام يوم العشرين من صفر ، و في غير المصباح أنهم وصلوا كربلاء أيضا في عودهم من الشام يوم العشرين من صفر ، و كلاهما مستبعد ، لأن عبيدالله بن زياد لعنه الله كتب الى يزيد يعرفه ما جرى و يستأذنه في حملهم ، و لم يحملهم حتى عاد الجواب اليه ، و هذا يحتاج الى نحو عشرين يوما أو أكثر منها ، و لأنه لما حملهم الى الشام روى أنهم أقاموا فيها شهرا في موضع لا يكنهم من حر و لا برد ، و صورة الحال يقتضى أنهم تأخروا أكثر من أربعين يوما من يوم قتل عليه السلام الى أن وصلوا العراق أو المدينة ، و أما جوازهم في عودهم على كربلاء ، فيمكن ذلك ، و لكنه ما يكون وصولهم اليها يوم العشرين من صفر ، لأنهم اجتمعوا على ما روى جابر بن عبدالله الأنصاري ، فان كان جابر وصل زائرا من الحجاز فيحتاج وصول الخبر اليه و مجيئه أكثر من أربعين يوما ، و على أن يكون جابر وصل من غير الحجاز من الكوفة أو غيرها ؛ در مصباح ديدم كه اهل بيت حسين عليه السلام همراه على بن حسين عليه السلام در روز بيستم صفر ، به مدينه رسيدند و در غير مصباح يافتم كه آنان به هنگام بازگشت از شام ، در همان روز به كربلا رسيدند و هر دوی آن بعيد است ؛ برای آن كه عبيدالله بن زياد - لعنه الله - نامه ای برای يزيد نوشت كه در آن ماجرا را نوشته و برای فرستادن اسيران به شام كسب اجازه نمود و او تا هنگامی كه پاسخ را دريافت نكرد ، اقدام به ارسال ایشان نمود و این كار به بيست روز يا بيستر نیازمند است . همچنین روایت شده است هنگامی كه اهل بيت را به شام بردند ، آنان يك ماه در جایی بودند كه ایشان را از گرما و سرما باز نمی داشت و صورت قضیه این است كه آنان پس از اربعين به عراق و يا مدينه رسيدند . اما عبور ایشان از كربلا هنگام بازگشت امکان پذیر است ، ولی در روز بيستم صفر نبوده است ؛ چرا كه آنها - طبق روایت - با جابر بن عبدالله انصاری ملاقات كردند و اگر جابر به عنوان زیارت از حجاز آمده باشد ، رسيدن خبر به او و آمدن وی به كربلا- ، بیش از چهل روز نیازمند است . [۱] . - گفتنی است كه آنچه ایشان از كلام شيخ طوسی در مصباح المجتهد نقل کرده است ، با عبارتی كه ما از این كتاب آورديم نمی سازد . آنچه در مصباح شيخ است این است : و في اليوم العشرين منه كان رجوع حرم سيدنا أبي عبدالله الحسين بن علي بن ابي طالب عليه السلام من الشام الى مدينه الرسول صلى الله عليه و آله ؛ [۲] . «رجوع» و بازگشت از شام به مدينه غير از «وصول» و رسيدن به مدينه است . در كلام شيخ طوسی كلمه ی وصول وجود ندارد ، بنابراین ، این را باید برداشت سيد بن طاووس از كلام شيخ دانست ، كه ما با برداشت ایشان موافق نیستيم و با این بيان ، این كه ایشان دو امر بازگشت به مدينه و يا به كربلا در تاريخ بيستم صفر سال ۶۱ را بعيد دانسته است ، امر اول موضوعا منتفی است ؛ ولی در هر حال ، ایشان با توجه به قراین و مستندات تاریخی كه ذكر می كند ، بازگشت اهل بيت را در اربعين اول و حتی زیارت جابر بن عبدالله انصاری را در این تاريخ نمی پذيرد و این شواهد را دليل قول خود می داند : الف . عبيدالله بن زياد ، از كوفه نامه برای يزيد فرستاد و كسب تكليف كرد ، رفت و برگشت نامه ، حدود بيست روز و يا بيستر لازم دارد . ب . روایت شده است كه اهل بيت حدود يك ماه در شام در جای بسيار نامناسبی كه ایشان را از گرمای روز و از سرمای شب محافظت نمی نمود اقامت داشتند . ج . جابر بن عبدالله نیز نمی تواند در بيستم صفر خود را به كربلا برساند ، چون رسيدن خبر به حجاز و حرکت او از حجاز به سمت كربلا به بیش از چهل روز نیاز دارد . ایشان در پایان ، امکان عبور از كربلا و ملاقات با جابر را در غير اربعين اول می پذيرد . - فرمایش اخير ایشان مبنی بر این كه : «چنانچه جابر در حجاز از شهادت آن حضرت آگاه شده و آن گاه رهسپار كربلا شده باشد ، به بیش از چهل روز وقت نیاز خواهد بود» ، تمام نیست ؛ چون مدينه در شهادت امام حسين عليه السلام سه بار به ضجه افتاد : ۱ . در روز عاشورا ، ام سلمه خواب عجيبی دید . وی پیامبر صلى الله عليه و آله را غبار آلود دید . از او علت را پرسيد . خبر داد كه من هم اکنون به شهادت رسيدن حسين را ديدم . [۳] همچنین آن حضرت به ام سلمه شیشه ای پر از خاك داده بود و فرموده بود كه هر گاه این خاك رنگ خون به خود گرفت ، بدان كه حسينم به

شهادت رسیده است. ام سلمه پس از آن خواب، سراغ آن خاک رفت و آن را چنان یافت که پیامبر صلی الله علیه و آله پیش‌بینی فرموده بود. آن‌گاه چنان ضجه و فغان و ناله سر داد که هجوم زن و مرد اهل مدینه را در پی داشت، که از جمله‌ی آنان ابن عباس بود. [۴] ماجرای قاروره در کتب شیعه و اهل سنت نقل شده است؛ [۵] بنابراین، هیچ‌بعدی ندارد که جابر در مدینه بوده و با آن معرفتی که دارا بود، پس آگاهی یافتن از عمق فاجعه‌ی کربلا، به‌دان سو رهسپار گردد. ۲. پس از فاجعه‌ی کربلا، از سوی عاملان حکومت، خبر رسمی به والی مدینه و مردم اعلام شد، بنابراین فرض، با توجه به وجود پیک، چنانچه تا حوالی آخر محرم و ابتدای صفر این خبر به مدینه رسیده باشد، باز حرکت جابر از مدینه و رسیدن او به کربلا در بیستم صفر توجیه پذیر خواهد بود. ۳. به هنگام رسیدن اهل بیت به مدینه [۶]. دو. علامه‌ی مجلسی؛ ایشان پس از ذکر قول مشهور بین اصحاب درباره‌ی بازگشت به کربلا در اربعین اول و قول دیگر مبنی بر مراجعت ایشان در این تاریخ به مدینه، هر دو را نمی‌پذیرد و می‌گوید: اعلم أنه ليس في الأخبار ما العلة في استحباب زیارته صلوات الله علیه فی هذا اليوم، و المشهور بین الأصحاب أن العلة في ذلك رجوع حرم الحسين صلوات الله علیه فی مثل ذلك اليوم الی کربلاء عند رجوعهم من الشام، و الحاق علی بن الحسين صلوات الله علیه الرؤوس بالأجساد، و قيل فی مثل ذلك اليوم رجعوا الی المدینة، و كلاهما مستبعدان جدا، لأن الزمان لا یسع ذلك كما یظهر من الأخبار و الآثار، و كون ذلك فی السنه الأخری أيضا مستبعد؛ از اخبار و روایات، علت استحباب زیارت آن حضرت در روز اربعین دانسته نیست و مشهور بین اصحاب این است که علت آن، بازگشت اهل بیت امام حسین علیه‌السلام در مثل چنین روزی از شام به کربلا و ملحق ساختن سرها به بدن‌ها به دست علی بن حسین علیه‌السلام است. و گفته شده است که در مثل چنین روزی، آنان به مدینه بازگشتند و هر دوی آن بعید است؛ چون زمان، گنجایش آن را ندارد؛ همان‌گونه که از اخبار و روایات دانسته می‌شود. و اما آن‌که آنان در اربعین سال بعد به کربلا رسیده باشند، آن هم بعید است. [۷]. سه. محدث نوری؛ ایشان مسئله بازگشت در اربعین اول را به طور کلی منکر شده است و ادله‌ای قابل توجه دارد. که ذهن عده‌ای را به خود مشغول داشته است و تفصیل کلام ایشان خواهد آمد. چهار. محدث قمی؛ ایشان نیز بازگشت در اربعین اول را بعید دانسته و می‌نویسد:

مکشوف باد که ثقات محدثین و مورخین متفقاند، بلکه خود سید جلیل علی بن طاووس نیز روایت کرده که بعد از شهادت حضرت امام حسین علیه‌السلام، عمر سعد ملعون نخست سرهای شهدا را نزد ابن زیاد لعین روانه کرد و از پس آن، روز دیگر اهل بیت را به جانب کوفه برد و ابن زیاد خبیث بعد از شناعت و شماتت با اهل بیت علیهم‌السلام ایشان را محبوس داشت، و نامه به یزید بن معاویه فرستاد که در باب اهل بیت و سرها چه عمل نماید. یزید لعین جواب نوشت که به جانب شام روان باید داشت. لاجرم ابن زیاد ملعون تهی‌ی سفر ایشان نموده و ایشان را به جانب شام فرستاد. و آنچه از قضایای عدیده و حکایات متفرقه‌ی سیر ایشان به جانب شام از کتب معتبره نقل شده چنان می‌نماید که سیر ایشان را از راه سلطانی و قرای بریه و غربی فرات بوده، آن هم قریب به بیست روز می‌شود. چه ما بین کوفه و شام به خط مستقیم ۱۷۵ فرسخ گفته شده، و در شام هم قریب به یک‌ماه توقف کرده‌اند، چنان‌که سید در اقبال فرموده... پس با ملاحظه‌ی این مطالب خیلی مستبعد است که اهل بیت بعد از این همه قضایا از شام برگردند و روز بیستم صفر که روز اربعین و روز ورود جابر به کربلا بوده وارد شوند و خود سید أجل این مطلب را در اقبال مستبعد شمرده، به علاوه آن‌که احدی از أجلائی فن حدیث و معتمدین اهل سیر و تواریخ در مقاتل و غیره اشاره به این مطلب نکرده‌اند، با آن‌که دیگر ذکر آن از جهاتی شایسته بوده، بلکه از سیاق کلام ایشان انکار آن معلوم می‌شود؛ چنان‌که از عبارت شیخ مفید در باب حرکت اهل بیت به سمت مدینه دریافتی. و قریب این عبارت را ابن اثیر و طبری و قرمانی و دیگران ذکر کرده‌اند و در هیچ‌کدام، ذکر از سفر عراق نیست؛ بلکه شیخ مفید و شیخ

طوسی و کفعمی گفته‌اند که در روز بیستم صفر حرم حضرت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام رجوع کردند از شام به مدینه و در همان روز جابر بن عبدالله به جهت زیارت امام حسین علیه‌السلام به کربلا آمد و اول کسی است که امام حسین علیه‌السلام را زیارت کرد . . . و بعضی احتمال داده‌اند که اهل بیت علیهم‌السلام در حین رفتن از کوفه به شام به کربلا آمده‌اند و این احتمال به جهاتی بعید است و هم احتمال داده شده که بعد از مراجعت از شام به کربلا آمده‌اند، لیکن در غیر روز اربعین بوده، چه سید و شیخ ابن نما که نقل کرده‌اند ورود ایشان را به کربلا، به روز اربعین مقید نساخته‌اند و این احتمال نیز ضعیف است، به سبب آن که دیگران مانند صاحب روضه الشهداء و حبيب السیر و غیره که نقل کرده‌اند، مقید به روز اربعین ساخته‌اند. و از عبارت سید نیز ظاهر است که با جابر در یک روز و یک وقت وارد شدند، چنان که فرموده: «فوافوا فی وقت واحد»، و مسلم است که ورود جابر به کربلا در روز اربعین بوده و به علاوهی آنچه ذکر شد تفصیل ورود جابر به کربلا در کتاب مصباح الزائر سید بن طاووس، و بشاره المصطفی که هر دو از کتب معتبره است موجود است و ابداً ذکری از ورود اهل بیت در آن هنگام نشده، با آن که به حسب مقام باید ذکر شود. [۸]. ایشان مطلبی اضافه بر سخن محدث نوری ندارد، و با پاسخی که آنجا داده می‌شود پاسخ ایشان معلوم می‌گردد. پنج. مرحوم شیخ محمد ابراهیم آیتی؛ ایشان نیز منکر قضیه شده است و آن را جزء افسانه‌های تاریخی شمرده است! [۹]. شش. آیت الله شهید مطهری؛ ایشان خیر ملاقات اهل بیت با جابر را منکر شده و می‌فرماید تنها کسی که این مطلب را نقل کرده سید بن طاووس در لهوف است، و هیچ کس غیر از ایشان نقل نکرده است! حتی خود سید در دیگر کتابهای خود متعرض آن نگردیده است و دلیل عقلی نیز با آن سازگاری ندارد. [۱۰]. - گفتنی است که اگر مقصود ایشان از انکار خبر ملاقات، عدم حصول آن در خصوص روز اربعین است، که ظاهر عبارت ایشان، به ویژه با ضمیمه‌ی دلیل عقلی، این را می‌نماید، باید گفت که سید بن طاووس، حتی در کتاب لهوف، نیز چنین چیزی را نگفته است. و اگر مقصود ایشان انکار اصل ملاقات اهل بیت با جابر در کربلاست، سید متفرد نیست و پیش از او ابن نما [۱۱] و پس از او شیخ بهایی [۱۲] و سید محمد بن ابی طالب [۱۳]، علامه مجلسی [۱۴]، قندوزی [۱۵] و دیگران گفته‌اند.

پی نوشتها

[۱] اقبال الأعمال، ص ۵۸۹.

[۲] مصباح المتهدج، ص ۷۳۰.

[۳] ر. ک: سنن ترمذی، ج ۵، ص ۶۵۷؛ المعجم الکبیر، ج ۲۳، ص ۳۷۳، ح ۸۸۲؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام الحسین علیه‌السلام)، ص ۳۸۸؛ کفایه الطالب، ص ۴۳۳؛ اسد الغابه، ج ۱، ص ۲۲؛ الخصائص الکبری، ج ۲، ص ۱۲۶؛ البدایه و النهایه، ج ۸، ص ۲۰۲؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۳۱۶؛ الصواعق المحرقة، ص ۲۹۴؛ تهذیب الکمال، ج ۲، ص ۴۳۹؛ مقتل الخوارزمی، ج ۲، ص ۹۶؛ ذخائر العقبی، ص ۱۴۸؛ نظم درر السمطین، ص ۲۱۷؛ جواهر المطالب، ج ۲، ص ۲۹۸؛ امالی شیخ صدوق، ص ۲۰۲.

[۴] امالی شیخ طوسی، ص ۳۱۵، مجلس ۱۱، ح ۶۴۰.

[۵] المعجم الکبیر (طبرانی)، ج ۳، ص ۱۱۴، ح ۲۸۱۷؛ کفایه الطالب، ص ۴۲۶؛ مقتل الخوارزمی، ج ۱، ص ۱۶۲؛ تهذیب الکمال، ج ۶، ص ۴۰۸؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۸۹؛ الصواعق المحرقة، ص ۲۹۲؛ تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۳۴۶؛ ذخائر العقبی، ص ۱۴۶؛ الخصائص الکبری، ج ۲، ص ۱۲۵؛ الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۹۳؛ الارشاد، ج ۲، ص ۱۳۰؛ دلائل الامامه، ص ۱۸۰؛ اعلام الوری، ص ۲۱۷؛ روضه الواعظین، ج ۱، ص ۱۹۳؛ نظم درر السمطین، ص ۲۱۵.

[۶] ر. ک: الركب الحسينی فی الشام و منها الی المدینه المنوره، ص ۳۷۳.

- [۷] بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۳۳۴.
- [۸] منتهی الآمال، ص ۵۲۵ - ۵۲۴.
- [۹] بررسی تاریخی عاشورا، ص ۱۴۸.
- [۱۰] حماسه‌ی حسینی، ج ۱، ص ۳۰.
- [۱۱] مثير الأحزان، ص ۱۰۷.
- [۱۲] توضیح المقاصد، ص ۶.
- [۱۳] تسلیة المجالس، ج ۲، ص ۴۵۸.
- [۱۴] جلاء العیون، ص ۴۵۰.
- [۱۵] ینایع الموده، ج ۳، ص ۹۲.

### متوقفان

و در مقابل، برخی چون آیت الله شیخ محمد رضا طبسی نجفی، در مسئله توقف نموده و هیچ‌یک از دو نظر اربعین اول یا دوم را نتوانسته اختیار کند و می‌فرماید: فعليه أنا من المتوقفين في ذلك، و لكن المشهور عند عوام الناس في السنة الأولى، مع أن ظاهر عدة التواريخ أن توقفهم في الشام لا يقل من شهر؛ بنابراین، من از زمره‌ی توقف کنندگان در مسئله هستم (و هیچ‌یک از دو قول را اختیار نمی‌کنم) ولی مشهور نزد عوام مردم این است که آنان در اربعین اول به کربلا بازگشتند. با آن‌که ظاهر بعضی کتب تاریخی این است که توقف ایشان در شام کمتر از یک‌ماه نبوده است. [۱]. [۱] مقتل الامام الحسين عليه السلام، ص ۲۸۵ (نسخه‌ی خطی).

### دو دیدگاه در ترازوی نقد

مرحوم محدث نوری و قاضی طباطبایی، در دو جهت مسئله قرار دارند. محدث نوری به طور کلی منکر بازگشت اهل بیت در اربعین اول است و شبهه‌ی ابن طاووس در اقبال الأعمال را با حواشی دیگر پرورش داده و دیگرانی چون محدث قمی تحت تأثیر او قرار گرفته‌اند. و در طرف مقابل، شهید قاضی طباطبایی در مقام اثبات مراجعت اهل بیت در اربعین اول برآمده و با پروراندن جواب مرحوم اشراقی و نگارش کتابی قطور به پاسخ‌گویی ایشان آمده و به حق رنج فراوان و زحمت بسیار کشیده است. از این روی، ما به طور خلاصه، ادله‌ی هر دو طرف را به نقد و بررسی می‌نشینیم.

### سخن و دیدگاهی دیگر

تاکنون معلوم شد که شهرت مورد ادعا با توجه به محذورات ذکر شده کارساز نیست، و شواهدی که ذکر گردید فرض امکان را ثابت می‌کند، ولی برای اثبات وقوع کافی نیست. و اما ملازمه بین زیارت جابر و ملاقات وی با اهل بیت را با بازگشت ایشان به کربلا در اربعین اول اینگونه می‌توان منتفی دانست: با توجه به قراین، به نظر می‌رسد جابر بن عبدالله انصاری، آن یار وفادار و دانشمند عارف و آگاهی که رنج سفر را به جان خریده و از عواقب کار خود نه‌راسیده و در بزرگسالی و کهولت سن به سمت کربلا رهسپار شده است، به یک زیارت بسنده نکند و دست کم دو بار به زیارت قبر مولا و محبوب خود سالار

شهیدان امام حسین علیه‌السلام شتافته باشد: زیارت اول: زیارتی است که طبری در بشاره المصطفی [۱] و سید بن طاووس در مصباح الزائر [۲] و خوارزمی در مقتل الحسین علیه‌السلام [۳] آورده‌اند. زیارت دوم: زیارتی است که مقرون به ملاقات با اهل بیت علیهم‌السلام است. در زیر به تبیین این دیدگاه خواهیم پرداخت: ۱. در روایت طبری و سید بن طاووس و خوارزمی، هیچ‌گونه اشاره‌ای به مسئله‌ی ملاقات نشده است؛ بلکه قرینه بر عدم حصول ملاقات نیز وجود دارد. طبری و خوارزمی تصریح می‌کنند که پس از انجام زیارت، جابر از عطیه می‌خواهد که او را به سمت خانه‌های کوفه هدایت کند. آن‌گاه هر دو در این مسیر گام برداشتند. [۴] بسیار بعید است که حادثه‌ای با این اهمیت واقع گردد و عطیه آن را نقل نکند. ۲. آنچه از خبر طبری و سید بن طاووس و خوارزمی استفاده می‌شود این است که هنگام زیارت جابر، کسی غیر از ایشان نبوده است و حال آن‌که زیارت مقرون به ملاقات با اهل بیت، وقتی بوده است که گروهی از بنی‌هاشم نیز به زیارت قبر آن حضرت شتافته بودند و اهل بیت هنگامی که به کربلا رسیدند، جابر را با عده‌ای از بنی‌هاشم در آن‌جا یافتند. [۵]. ۳. در زیارت اول، نام و نقش عطیه برجسته است، در صورتی که در زیارت دوم هیچ نام و اثری از عطیه وجود ندارد. ۴. تصریح مورخان و دانشمندان مبنی بر این‌که جابر نخستین زائر امام حسین علیه‌السلام است، اثبات‌کننده‌ی این مطلب است که زیارت وی پیش از زیارت گروهی از بنی‌هاشم است و با این بیان، زیارت جابر با عطیه را باید

نخستین زیارت او قرار داد. خلاصه، آنچه طبری و سید بن طاووس در (مصباح الزائر) و خوارزمی آورده‌اند، که در آن نام عطیه وجود دارد و هیچ‌گونه اشاره‌ای از حضور بنی‌هاشم ندارد و سرانجام زیارت، به رهسپاریشان به سمت کوفه ختم می‌شود، با آنچه که ابن‌نما و سید بن طاووس در (لهوف) آورده‌اند، که در آن اثری از نام و نقش عطیه نیست، فرق می‌کند و هیچ‌گونه بعدی ندارد که شخصی چون جابر به یک زیارت بسنده نکند. بنابراین، روز اربعین روز زیارت جابر پس از گذشت چهل روز از شهادت سالار شهیدان، حسین بن علی علیهما‌السلام است، و زیارت اهل بیت و ملاقات جابر با ایشان پس از اربعین است؛ گرچه دقیقاً روز آن را نمی‌دانیم، ولی مسلماً پیش از اربعین دوم است. با توجه به نقلی که ورود سر مطهر را به شام در اول ماه صفر تعیین کرده است [۶]، چنانچه ورود اهل بیت را هم در این تاریخ به شام بدانیم [۷] و با تکیه به خبری که زمان خروج ایشان، بیستم ماه صفر تعیین شده است [۸]، مدت اقامت ایشان در شام، بیست روز بوده و بابر آن‌که مسیر بازگشت آنان از راه میانبر بادیه‌الشام بوده باشد، زمان رسیدن اهل بیت به کربلا فاصله‌ی چندانی با اربعین اول ندارد. و می‌توان گمان کرد که آنان در حدود پایان صفر و یا در اوایل ربیع‌الاول به کربلا رسیده باشند و چنانچه مدت اقامت ایشان را حدود یک ماه [۹] و یا یک ماه و نیم [۱۰]، بدانیم، و یا بازگشت را هم از راه سلطانی بدانیم زمان مقداری به تأخیر می‌افتد و بعید است که در غیر از ماه ربیع‌الاول بوده باشد. با این بیان بسیاری از مشکلات مسئله حل می‌شود، و بسیاری از منازعات و کشمکشها پایان می‌پذیرد. اما آنچه مرحوم قاضی طباطبایی از آن به عنوان فهم علما یاد کرده است، نمی‌تواند به عنوان دلیل مطرح گردد و در فرض تحقق، ناشی از ثبوت ملازمه‌ی بین زیارت جابر و حصول ملاقات است، که مورد پذیرش قرار نگرفت. با توجه به مطالب گذشته، نتیجه‌ی بحث این است: چنانچه اهل بیت را از طریق بادیه‌الشام به شام برده و آنان از همان مسیر به کربلا بازگشته باشند، و زمان خروج را نیز بیستم صفر بدانیم، امکان رسیدن به کربلا در اربعین اول وجود دارد. ولی قرآینی مسیر رفت را از این مسیر تأیید نمی‌کند، و سید امین که این احتمال را ذکر می‌کند، هیچ‌گونه دلیل و شاهده‌ی را نمی‌آورد و تنها با ذکر کلمه‌ی «لعل» و شاید آن را مطرح ساخته است و در هیچ کتاب معتبر و غیر معتبری، اثری از حرکت در این مسیر به چشم نمی‌خورد. افزون بر آن، حکومت فاسد بنی‌امیه می‌خواست نهایت بهره را از جنایت‌ننگین خود به دست آورد؛ بنابراین، حرکت دادن آنها از راه سلطانی، که گفته می‌شود چهل منزل را در خود داشت، منطقی جلوه



می‌سازد و حرکت در این مسیر به حدود بیست روز وقت نیاز دارد. و باقی ماندن آثاری از شهیدان و اهل بیت در این مسیر به عنوان تأیید می‌تواند مورد استناد قرار گیرد، مثل مشهد نقطه [۱۱]، و یا مدفن برخی از کودکان آل‌السبت در مسیر، مثل شهرهای حلب یا بعلبک. در برخی از کتب مورد توجه تاریخی، بعضی از جریانات راه را ذکر کرده‌اند که مربوط به راه سلطانی است؛ مثل قضیه‌ی دیر راهب [۱۲] در قنسرین [۱۳]، سخنان بعضی از اهل بیت در بعلبک. بنابراین، با توجه به مدت اقامت اهل بیت در شام که تا حدود یک تا یک ماه و نیم گفته‌اند، همچنانکه سید بن طاووس، و پیش از او قاضی نعمان گفته است و باعنایت به مدتی که در کوفه زندانی بوده‌اند، (اگر چه آن مدت کم باشد) و مسئله‌ی کسب تکلیف از یزید توسط پیک و یا حتی کبوتر نامه‌بر، باز بازگشت اهل بیت را در اربعین اول منطقی نمی‌دانیم. اما تصریح برخی مثل بیرونی و قزوینی و شیخ‌بهایی و دیگران، معارض است با نقل برخی همانند قاضی نعمان، که از نظر تاریخی بر آنها مقدم است و مثل آنان ذوفنون نبوده است. و آنچه به امامیه نسبت داده‌اند ناشی از ملازمه‌ی بین زیارت جابر و حصول ملاقات وی با اهل بیت در اربعین اول است که مورد پذیرش قرار نگرفت، و آن را در زیارتی دیگر پس از اربعین دانستیم. اما تاریخ الحاق سر مطهر به جسد طاهر را یا باید در روز اربعین ندانیم، و یا آن را امری ویژه، و با شرایطی خاص بدانیم؛ همچنان که سید بن طاووس به آن رسیده است. [۱۴].

پی نوشتها

- [۱] بشارة المصطفی، ص ۷۴.
- [۲] مصباح الزائر، ص ۲۸۶.
- [۳] مقتل الحسین، ج ۲، ص ۱۹۰.
- [۴] آن‌جا که جابر به عطیه می‌گوید: «خذنی نحو ایات کوفان، ثم صاراً فی الطریق» (ر. ک: بشارة المصطفی، ص ۷۵).
- [۵] ابن نما در مثير الأحران، ص ۱۰۷ می‌گوید: «و لما مر عیال الحسین علیه‌السلام وجدوا جابر بن عبدالله الأنصاری رحمه الله علیه و جماعة من بنی هاشم قدموا لزیارته» و قریب این مضمون را سید در لهوف، ص ۲۲۵ آورده است.
- [۶] الآثار الباقیة، ص ۴۲۲؛ عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات، ص ۴۵.
- [۷] که به گمان قوی چنان است.
- [۸] مسار الشیعة، ص ۴۶؛ مصباح المتهدد، ص ۷۳۰؛ العدد القویة، ص ۲۱۹؛ مصباح کفعمی، ص ۵۱۰ و ۴۸۹.
- [۹] اقبال الأعمال، ص ۵۸۹.
- [۱۰] شرح الأخبار، ج ۳، ص ۲۶۹.
- [۱۱] در سفری که این جانب اخیراً به کشور سوریه داشتم، توفیق زیارت این مکان مقدس را در شهر حلب پیدا نمودم، و سنگی را که قسمتی از آن رنگ خون گرفته بود مشاهده کردم، و این جریان مهم را جناب آقای شیخ ابراهیم نصرالله، متولی آن مقام در تاریخ ۱۱ محرم الحرام ۱۴۲۴ هـ - ق، برابر با ۲۴ / ۱۲ / ۱۳۸۱ هـ - ش برایم بازگو نمود: «حدود هفت سال پیش در ایام عزاداری حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام عده‌ای از شیعیان پاکستانی در کنار این مقام مشغول عزاداری خالصانه بودند که ناگهان خونی تازه بر روی سنگ ظاهر می‌شود، و بعد به تدریج در آن فرو می‌رود، وقتی که خبر به من رساندند، خودم را در لحظات آخر رساندم. آنچه دیدم یک قطره‌ی خون تازه بود که باقی مانده بود، و بعد آن هم به تدریج فرو رفت.»
- [۱۲] مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۶۰؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۳۰۳؛ العوالم، ج ۱۷ (تاریخ الامام الحسین علیه‌السلام)، ص ۴۱۸؛ از مناقب ابن شهر آشوب، به نقل از نطنزی در خصائص.

- [۱۳] قنسرین: هی کورۀ بالشام منها حلب، و کانت قنسرین مدینۀ، بینها و بین حلب مرحلۀ من جهة حمص بقرب العواصم... .  
ر. ک: معجم البلدان، ج ۴، ص ۴۰۴.  
[۱۴] ر. ک: اقبال الاعمال، ص ۵۸۸.

## فرازهایی از زیارت اربعین

### مقدمه

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرموده اند: «در روز اربعین هنگامی که روز بلند شد زیارت می کنی و می گویی: سلام بر ولی خدا و حبیب او، سلام بر خلیل خدا و بنده نجیب او، سلام بر بنده برگزیده خدا و فرزند برگزیده او، سلام بر حسین مظلوم شهید، سلام بر آقایی که در میان امواج بلا گرفتار آمد و کشته اشک روان است. آن گاه امام صادق علیه السلام فرمودند: علیه آن حضرت هم دست شدند کسانی که دنیا فریبشان داده بود و بهره خود را در ازای بهایی ناچیز فروختند و آخرت خویش را به قیمت ناچیز حراج کردند. در چاه هوا و هوس فرو رفتند و تو و پیامبرت را به خشم آورده و مطیع بندگان شقی گردیدند؛ امام حسین علیه السلام در مقابل آنان تن به ذلت نداد و با آنان با شکیبایی به جهاد پرداخت تا آن گاه که خونش را ریختند و اهل بیتش را به اسارت بردند.

### اولین زائر

از عطیه روایت شده که در روز اربعین، با جابر بن عبدالله انصاری به زیارت قبر امام حسین علیه السلام رفتیم. وقتی به کربلا رسیدیم، جابر غسل کرده و بر سر قبر حضرت رفت و گفت: «دست مرا بر قبر گذار.» چون دستش به قبر رسید بی هوش شد و وقتی به هوش آمد سه بار گفت: یا حسین، سپس گفت: «آیا دوست، جواب دوست را نمی دهد؟ چگونه جواب می دهی در حالی که سرت را از بدن جدا کرده اند.» و گفت: «سوگند به خدا که ما نیز در آن جا حضور داشتیم.» من گفتم: چگونه؟ در حالی که شمشیری نزدیم، و این گروه مابین سرو بدن شان جدایی افتاده و اولادشان اسیر شده و [ما...]، جابر گفت: «از رسول خدا شنیدم که هر که گروهی را دوست دارد، با آنان محشور می شود و هر که عمل مردمی را دوست داشته باشد، در عمل ایشان شریک شود. همانا دوست ایشان به بهشت بازگشت نماید و دشمن ایشان به دوزخ بازگردد.

### دیدار اهل بیت از شهدای کربلا در روز اربعین

سیدبن طاووس در کتاب مقتل خود به نام لهوف آورده است: زمانی که اهل بیت حضرت سیدالشهداء علیهم السلام از شام به مدینه برمی گشتند در عراق از کاروان دار خواستند که آن ها را از راه کربلا- ببرد. چون به بر تربت پاک امام حسین علیه السلام رسیدند، جابر بن عبدالله را با گروهی از طایفه بنی هاشم و مردانی از آل پیغمبر صلی الله علیه و آله دیدند که به زیارت حضرت آمده اند. آنان شروع به عزاداری و نوحه سرایی کردند، زنان قبائل عرب نیز که در آن اطراف بودند جمع شده و عزاداری کردند. کاروانیان سپس از آن جا به سوی مدینه کوچ کردند.

### اسارت زن مسلمان

از مظلومیت هایی که حکایت از نقض آشکار قوانینی است که اسلام به آنها سفارش کرده، اسیر گرفتن زن مسلمان است. در حادثه کربلا- پس از پایان نبرد، اهل بیت امام حسین را اسیر کرده و شهر به شهر گردانند و در کوفه و شام به نمایش گذاشتند. اسیر گرفتن زن مسلمان از نظر اسلام مردود است چنان که علی علیه السلام در جنگ جمل اسیر کردن را روا نشمرده و عایشه را به همراه عده ای زن به شهر خودش بازگرداند؛ اما متجاوزان اموی فرزندان پیامبر را مثل اسیران کافر، از کوفه به شام فرستادند و چهره زنان اسیر را بر اهالی شهرها نمودند و در نهایت سنگ دلی با آنان رفتار کردند. چنان که حضرت زینب علیها السلام هنگام عبور از کنار اجساد شهدا (در اعتراض به اسارت اهل بیت) فرمود: ای محمد صلی الله علیه و آله این دختران تو هستند که به اسارت می روند.

## اربعین حسینی و اسرای کربلا

بیستم ماه صفر در تاریخ، به عنوان اربعین حسینی مشهور شده است. در برخی از روایات به بزرگداشت این روز اشاره شده است. در حدیثی از امام حسن عسکری زیارت اربعین به عنوان یکی از نشانه‌های مؤمن شمرده شده است. [۱] «اربعین» در منابع، بیشتر به دو رویداد اشاره دارد:

۱- روز مراجعت اسرای کربلا از شام به مدینه؛

۲- روزی که جابر بن عبدالله انصاری به زیارت قبر امام حسین (ع) مشرف شد.

اما در اینکه در این روز اسرای کربلا به کربلا رسیده باشند، تردیدی جدی وجود دارد.

شیخ مفید در «مسار الشیعه» آورده است:

«روز اربعین، روزی است که اهل بیت امام حسین (ع)، از شام به سوی مدینه مراجعت کردند و نیز روزی است که جابر بن عبدالله برای زیارت امام حسین (ع) وارد کربلا شد.» [۲]

شیخ طوسی در «مصباح المتهجد» [۳] و ابن اعثم در الفتوح [۴] نیز همین مطلب را ذکر کرده‌اند. میرزا حسین نوری می‌نویسد: «از عبارت شیخ مفید و شیخ طوسی استفاده می‌شود که روز اربعین روزی است که اسرار از شام به مقصد مدینه خارج شدند. نه آنکه در آن روز به مدینه رسیدند.» [۵]

در این میان سید بن طاوس در «لهوف»، اربعین را روز بازگشت اسرا از شام به کربلا ذکر کرده است. ایشان می‌نویسد: «وقتی اسرای کربلا- از شام به طرف عراق بازگشتند به راهنمای کاروان گفتند: ما را به کربلا- ببر. بنابراین آن‌ها به محل شهادت امام حسین (ع) آمدند. سپس در آنجا به اقامه عزا و گریه و زاری برای اباعبدالله پرداختند...» [۶]

ابن نما حلی نیز روز اربعین را روز بازگشت اسرا از شام به کربلا- و ملاقات آن‌ها با جابر و عده‌ای از بنی هاشم ذکر کرده است. [۷] میرزا حسین نوری پس از نقل قول سید بن طاوس به نقد آن پرداخته است. [۸]

رسول جعفریان می‌نویسد:

«شیخ مفید در ارشاد، ابومخنف در مقتل الحسین، بلاذری در انساب الاشراف، دینوری در اخبار الطوال و ابن سعد در الطبقات الکبری، اشاره‌ای به بازگشت اسرا به کربلا نکرده‌اند.» [۹]

شیخ عباس قمی هم داستان آمدن اسرای کربلا را در اربعین از شام به کربلا بسیار بعید می‌داند. [۱۰]

محمد ابراهیم آیتی [۱۱] و شهید مطهری (ره) نیز آمدن اسرای کربلا را در روز اربعین به کربلا، انکار کرده‌اند. شهید مطهری می‌نویسد:

«جز در کتاب لهوف که آن هم نویسنده‌اش در کتاب‌های دیگرش آن را تکذیب کرده و لا اقل تأکید نکرده، در هیچ کتاب دیگری چنین چیزی نیست و هیچ دلیل عقلی هم این را تأیید نمی‌کند».[۱۲]

اما در خصوص ورود جابر بن عبدالله انصاری در روز اربعین سال ۶۱ هجری به کربلا، به نظر می‌رسد بین منابع تاریخی چندان اختلافی نباشد. شیخ طوسی می‌نویسد:

«روز اربعین روزی است که جابر بن عبدالله انصاری صحابی رسول خدا(ص) از مدینه برای زیارت قبر امام حسین(ع) به کربلا آمد و او اولین زائری بود که قبر شریف آن حضرت را زیارت کرد».[۱۳]

مرحوم آیتی می‌نویسد:

«جابر بیستم ماه صفر، درست چهل روز بعد از شهادت امام وارد کربلا شد و سنت زیارت اربعین امام به دست او تأسیس گردید».[۱۴]

فردی که به همراه جابر در این روز به کربلا آمده «عطیه بن سعد بن جناده عوفی کوفی» است. آیتی، در خصوص شخصیت وی می‌نویسد:

«بسیار شده است که از روی نادانی و بی‌اطلاعی وی را غلام جابر گفته‌اند، در حالی که او یکی از بزرگترین دانشمندان و مفسران اسلامی است. وی از بزرگان تابعین و از شاگردان عبدالله بن عباس می‌باشد. و تفسیری در پنج مجلد بر قرآن مجید نوشته و از راویان حدیث محسوب می‌شود».[۱۵]

در کتاب بشارة المصطفی آمده است:

عطیه عوفی می‌گوید، به همراه جابر بن عبدالله انصاری به منظور زیارت قبر امام حسین(ع) وارد کربلا شدیم. جابر نزدیک شریعه فرات رفت. غسل کرد و لباس‌های نیکو پوشید... سپس به طرف قبر مطهر حرکت کردیم. جابر هیچ قدمی را بر نمی‌داشت، الا اینکه ذکر خدا می‌گفت. تا به نزدیک قبر رسیدیم. سپس به من گفت مرا به قبر برسان.[۱۶]

من دست او را روی قبر گذاشتم. جابر روی قبر افتاد و غش کرد. سپس من مقداری آب روی صورتش پاشیدم وقتی به هوش آمد سه بار گفت: یا حسین. سپس گفت: ای حسین چرا جواب مرا نمی‌دهی؟! سپس به خودش گفت: چگونه می‌توانی جواب دهی در حالی که رگ‌های گلوی تو را بریده‌اند و بین سر و بدنت جدایی افتاده است. شهادت می‌دهم که تو فرزند خاتم النبیین و سید المؤمنین... و پنجمین فرد از "اصحاب کساء" هستی... درود و سلام و رضوان الهی بر تو باد. سپس به اطراف قبر امام حسین(ع) حرکت کرد و گفت: السلام علیکم ایها الارواح التي حلت بفناء الحسين... اشهد انکم اقمتم الصلاة و آتیتم الزکاة و امرتم بالمعروف و نهیتم عن المنکر...».[۱۷]

به نظر می‌رسد روز اربعین روزی است که اهل بیت امام حسین(ع) از شام به قصد مدینه حرکت کرده‌اند. به جز «لهوف»[۱۸] که جریان ورود اهل بیت امام حسین(ع) را در این روز به کربلا نقل کرده، و البته در کتاب‌های دیگرش هم آن را تأیید نکرده است، در منابع دست اول مطالبی در خصوص ورود اسرای کربلا در روز اربعین به کربلا وجود ندارد.

پی نوشتها

[۱]- محمد بن محمد بن نعمان، المزار، قم، مدرسه الامام الهادی، چاپ اول، ص ۵۳.

[۲]- محمد بن محمد بن نعمان، مسار الشیعه، بیروت، دارالمفید، ۱۴۱۴، چاپ دوم، ص ۴۶.

[۳]- شیخ طوسی، محمد بن حسن؛ مصباح المتجهد، بیروت، مؤسسه الشیعه، چاپ اول، ۱۴۱۱، ص ۷۸۷.

[۴]- ابن اعلم کوفی، احمد؛ ترجمه محمد بن محمد بن مستوفی هروی، تهران، انتشارات آموزش و انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲،

- [۵]- النوری، المیرزا؛ لولو و مرجان، تهران، فراهانی، ۱۳۶۴، ص ۱۵۴.
- [۶]- حسنی، سید ابن طاووس، اللهوف فی قتلی الطوف، بیجا، مهر، ۱۴۱۷ه.ق، ص ۱۱۴
- [۷]- حلی، ابن نما؛ مثیر الاحزان، نجف، الحیدریه، ۱۳۶۹ه.ق، ص ۸۶.
- [۸]- نوری، المیرزا؛ پیشین، ص ۱۵۲.
- [۹]- جعفریان، رسول؛ ناملی در نهضت عاشورا، قم، نشر مورخ، ۱۳۸۶ش، ص ۲۱۶.
- [۱۰]- قمی، شیخ عباس؛ منتهی الامال، بی جا، مطبوعاتی حسینی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۵۲۵.
- [۱۱]- آیتی، محمد ابراهیم؛ بررسی تاریخ عاشورا، تهران، صدوق، ۱۳۷۲ه.ش، هشتم، ص ۱۳۹.
- [۱۲]- مطهری، مرتضی؛ حماسه حسینی، تهران، صدرا، ۱۳۷۳، چاپ بیست و یکم، ج ۱، ص ۳۰.
- [۱۳]- طوسی، محمد بن حسن؛ پیشین، ص ۷۸۷.
- [۱۴]- آیتی، محمد ابراهیم، پیشین، ص ۲۳۱-۲۳۰.
- [۱۵]- همان، ص ۲۳۲-۲۳۱.
- [۱۶]- برخی نقل کرده اند که جابر در این زمان تقریباً نابینا بوده است.
- [۱۷]- طبری، محمد بن علی؛ بشارة المصطفی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۰، چاپ اول، ص ۱۲۶.
- [۱۸]- به این نکته نیز باید توجه داشت که لهوف از منابع دست اول نیست این کتاب در قرن هفتم هجری نوشته شده است.
- نویسنده: یدالله حاجی زاده

## ارزش و جایگاه اربعین حسینی

### اهمیت اربعین از کجاست؟

اهمیت اربعین از کجاست؟ صرف اینکه چهل روز از شهادت شهید می گذرد، چه خصوصیتی دارد؟ اربعین خصوصیتش به خاطر این است که در اربعین حسینی یاد شهادت حسین زنده شد و این چیز بسیار مهمی است. شما فرض کنید اگر این شهادت عظیم در تاریخ اتفاق می افتاد یعنی حسین بن علی و بقیه شهیدان در کربلا شهید می شدند، اما بنی امیه موفق می شدند همانطور که خود حسین را و یاران عزیزش را از صفحه روزگار برافکنند و جسم پاکشان را در زیر خاک پنهان کردند، یاد آنها را هم از خاطره نسل بشر در آن روز و روزهای بعد محو کنند. ببینید در این صورت آیا این شهادت فایده ای برای عالم اسلام داشت؟ یا اگر هم برای آن روز یک اثری می گذاشت، آیا این خاطره در تاریخ هم، برای نسلهای بعد هم، برای گرفتاریها و سیاهی ها و تاریکی ها و یزیدیهای دوران آینده تاریخ هم اثری روشنگر و افشا کننده داشت؟ اگر حسین شهید می شد، اما مردم آن روز و مردم نسلهای بعد نمی فهمیدند که حسین شهید شده، آیا این خاطره چه اثری و چه نقشی می توانست در رشد و سازندگی و هدایت و برانگیزاندگی ملتها و اجتماعات و تاریخ بگذارد؟

می بینید که هیچ اثری نداشت، بله حسین که شهید می شد، خود او به اعلی علین رضوان خدا می رسید، شهیدانی که کسی نفهمید و در غربت، در سکوت، در خاموشی شهید شدند، به اجر خودشان در آخرت رسیدند، روح آنها فتوح و گشایش را در درگاه رحمت الهی به دست آورد، اما آیا چقدر درس شدند، چقدر اسوه شدند، درس، آن شهیدی می شود که

شهادت او و مظلومیت او را نسلهای معاصر و آینده او بدانند و بشنوند، درس و اسوه آن شهیدی می شود که خون او بجوشد و در تاریخ سرازیر بشود، مظلومیت یک ملت آن وقتی می تواند زخم پیکر ستم کشیده شلاق خورده ملتها را شفا بدهد و مرهم بگذارد که این مظلومیت فریاد بشود، این مظلومیت به گوش انسانهای دیگر برسد، برای همین است که امروز ابرقدرتها صدا توی صدا انداختند که صدای ما بلند نشود، برای همین است که حاضرند پولهای گزاف خرج کنند تا دنیا نفهمد که جنگ تحمیلی چرا به وجود آمد، با چه انگیزه ای، با دست که، با تحریک که. آن روز هم دستگاههای استکباری، حاضر بودند هر چه دارند خرج کنند به قیمت این که نام و یاد حسین و خون حسین و شهادت عاشورا مثل درس در مردم آن زمان و ملت‌های بعد باقی نماند و شناخته نشود. البته در اوائل کار درست نمی فهمیدند که چقدر مطلب با عظمت است. هر چه بیشتر گذشت، بیشتر فهمیدند.

در اواسط دوران بنی عباس حتی قبر حسین بن علی علیه السلام را ویران کردند، آب انداختند، خواستند از او هیچ اثری باقی نماند. نقش یاد و خاطره شهیدان و شهادت این است، شهادت بدون خاطره، بدون یاد، بدون جوشش خون شهید، اثر خودش را نمی بخشد و اربعین آن روزی است که برافراشته شدن پرچم پیام شهادت کربلا- در آن روز آغاز شد و روز بازماندگان شهادت است. حالا چه در اربعین اول، خانواده امام حسین علیه السلام به کربلا آمده باشند و چه نیامده باشند. اما اربعین اول آن روزی است که برای اولین بار زائران شناخته شده حسین بن علی به کربلا آمدند؛ جابر بن عبدالله انصاری است و عطیه از اصحاب پیغمبر، از یاران امیر المومنین و آمدند آن جا و جابر بن عبدالله حتی نابینا بود - آن طور که در نوشته ها و اخبار هست - و دستش را عطیه گرفت و برد روی قبر حسین بن علی گذاشت و او قبر را لمس کرد و گریه کرد و با حسین بن علی علیه السلام حرف زد و با آمدن خود و با سخن گفتن خود خاطره حسین بن علی را زنده کرد و سنت زیارت قبر شهداء را پایه گذاری کرد. یک چنین روز مهمی است روز اربعین.

حرکت امام حسین (ع) برای اقامه‌ی حق و عدل بود: «انما خرجت لطلب الاصلاح فی امیة جدی ارید ان امر بالمعروف و انهی عن المنکر...» (بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹). در زیارت اربعین که یکی از بهترین زیارات است، می‌خوانیم: «و منح التّصح و بذل مهجته فیک لیستنقذ عبادک من الجهالة و حیره الضّلاله». آن حضرت در بین راه، حدیث معروفی را که از پیامبر (ص) نقل کرده‌اند، بیان می‌فرمایند: «ایها الناس ان رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم قال: من رأى سلطانا جائرا مستحلا لحرم الله ناکثا لعهد الله مخالفا لسنة رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم يعمل فی عباد الله بالاثم والعدوان فلم یغیر علیه بفعل و لا قول کان حقا علی الله ان یدخله مدخله» (بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۲).

تمام آثار و گفتار آن بزرگوار و نیز گفتاری که درباره‌ی آن بزرگوار از معصومین رسیده است، این مطلب را روشن می‌کند که غرض، اقامه‌ی حق و عدل و دین خدا و ایجاد حاکمیت شریعت و برهم زدن بنیان ظلم و جور و طغیان بوده است. غرض، ادامه‌ی راه پیامبر اکرم (ص) و دیگر پیامبران بوده است که: «یا وارث ادم صفوة الله یا وارث نوح نبی الله...» (مفاتیح الجنان، زیارت وارث) و معلوم است که پیامبران هم برای چه آمدند: «لیقوم الناس بالقسط». اقامه‌ی قسط و حق و ایجاد حکومت و نظام اسلامی.

اساساً اهمیت اربعین در آن است که در این روز، با تدبیر الهی خاندان پیامبر (ص)، یاد نهضت حسینی برای همیشه جاودانه شد و این کار پایه‌گذاری گردید. اگر بازماندگان شهدا و صاحبان اصلی، در حوادث گوناگون - از قبیل شهادت حسین بن علی (علیه السلام) در عاشورا - به حفظ یاد و آثار شهادت کمر نیندند، نسل‌های بعد، از دستاورد شهادت استفاده‌ی زیادی نخواهند برد.

درست است که خدای متعال، شهدا را در همین دنیا هم زنده نگه می‌دارد و شهید به طور قهری در تاریخ و یاد مردم ماندگار است؛ اما ابزار طبیعی‌یی که خدای متعال برای این کار - مثل همه‌ی کارها - قرار داده است، همین چیزی است که در اختیار و اراده‌ی ماست. ما هستیم که با تصمیم درست و بجای، می‌توانیم یاد شهدا و خاطره و فلسفه‌ی شهادت را احیا کنیم و زنده نگهداریم.

## رمز زنده ماندن واقعه‌ی عاشورا

اگر زینب کبری (سلام‌الله‌علیها) و امام سجاد (صلوات‌الله‌علیه) در طول آن روزهای اسارت - چه در همان عصر عاشورا در کربلا و چه در روزهای بعد در راه شام و کوفه و خود شهر شام و بعد از آن در زیارت کربلا و بعد عزیمت به مدینه و سپس در طول سالهای متمادی که این بزرگواران زنده ماندند - مجاهدات و تبیین و افشاگری نکرده بودند و حقیقت فلسفه‌ی عاشورا و هدف حسین بن علی و ظلم دشمن را بیان نمی‌کردند، واقعه‌ی عاشورا تا امروز، جوشان و زنده و مشتعل باقی نمی‌ماند.

چرا امام صادق (علیه‌الصّلاه‌والسّلام) - طبق روایت - فرمودند که هر کس یک بیت شعر درباره‌ی حادثه‌ی عاشورا بگوید و کسانی را با آن بیت شعر بگریاند، خداوند بهشت را بر او واجب خواهد کرد؟ (۱) چون تمام دستگاههای تبلیغاتی، برای منزوی کردن و در ظلمت نگهداشتن مسأله‌ی عاشورا و کلاً مسأله‌ی اهل بیت، تجهیز شده بودند تا نگذارند مردم بفهمند چه شد و قضیه چه بود. تبلیغ، این گونه است. آن روزها هم مثل امروز، قدرتهای ظالم و ستمگر، حداکثر استفاده را از تبلیغات دروغ و مغرضانه و شیطنت‌آمیز می‌کردند. در چنین فضایی، مگر ممکن بود قضیه‌ی عاشورا - که با این عظمت در بیابانی در گوشه‌یی از دنیای اسلام اتفاق افتاده - با این تپش و نشاط باقی بماند؟ یقیناً بدون آن تلاشها، از بین می‌رفت.

آنچه این یاد را زنده کرد، تلاش بازماندگان حسین بن علی (علیه‌السّلام) بود. به همان اندازه که مجاهدت حسین بن علی (علیه‌السّلام) و یارانش به عنوان صاحبان پرچم، با موانع برخورد داشت و سخت بود، به همان اندازه نیز مجاهدت زینب (علیها‌السّلام) و مجاهدت امام سجاد (علیه‌السّلام) و بقیه‌ی بزرگواران، دشوار بود. البته صحنه آنها، صحنه‌ی نظامی نبود؛ بلکه تبلیغی و فرهنگی بود. ما به این نکته‌ها باید توجه کنیم.

## درسی که اربعین به ما می‌دهد

درسی که اربعین به ما می‌دهد، این است که باید یاد حقیقت و خاطره‌ی شهادت را در مقابل طوفان تبلیغات دشمن زنده نگهداشت. شما ببینید از اول انقلاب تا امروز، تبلیغات علیه انقلاب و امام و اسلام و این ملت، چه قدر پر حجم بوده است. چه تبلیغات و طوفانی که علیه جنگ به راه نیفتاد جنگی که دفاع و حراست از اسلام و میهن و حیثیت و شرف مردم بود. ببینید دشمنان علیه شهدای عزیزی که جانشان - یعنی بزرگترین سرمایه‌شان - را برداشتند و رفتند در راه خدا نثار نمودند، چه کردند و مستقیم و غیرمستقیم، با رادیوها و روزنامه‌ها و مجله‌ها و کتابهایی که منتشر می‌کردند، در ذهن آدمهای ساده لوح در همه جای دنیا، چه تلقینی توانستند بکنند.

حتّی افراد معدودی از آدمهای ساده دل و جاهل و نیز انسانهای موجه و غیر موجهی در کشور خودمان هم، در آن فضای ملتهد جنگ، گاهی حرفهایی می‌زدند که ناشی از ندانستن و عدم احاطه به حقایق بود. همین چیزها بود که امام عزیز را

برمی آشفته و وادار می کرد که با آن فریاد ملکوتی، حقایق را با صراحت بیان کند.

اگر در مقابل این تبلیغات، تبلیغات حق نبود و نباشد و اگر آگاهی ملت ایران و گویندگان و نویسندگان و هنرمندان، در خدمت حقیقتی که در این کشور وجود دارد، قرار نگیرد، دشمن در میدان تبلیغات غالب خواهد شد. میدان تبلیغات، میدان بسیار عظیم و خطرناکی است. البته، اکثریت قاطع ملت و آحاد مردم ما، به برکت آگاهی ناشی از انقلاب، در مقابل تبلیغات دشمن بیمه هستند و مصونیت پیدا کرده‌اند. از بس دشمن دروغ گفت و چیزهایی را که در مقابل چشم مردم بود، به عکس و واژگون نشان داد و منعکس کرد، اطمینان مردم ما نسبت به گفته‌ها و بافته‌ها و یاوه‌گوییهای تبلیغات جهانی، بکلی سلب شده است.

دستگاه ظالم جبار یزیدی با تبلیغات خود، حسین بن علی (ع) را محکوم می ساخت و وانمود می کرد که حسین بن علی (ع) کسی بود که بر ضد دستگاه عدل و حکومت اسلامی و برای دنیا قیام کرده است!! بعضی هم، این تبلیغات دروغ را باور می کردند. بعد هم که حسین بن علی (علیه السلام)، با آن وضع عجیب و با آن شکل فجیع، به وسیله‌ی دژخیمان در صحرای کربلا- به شهادت رسید، آن را یک غلبه و فتح وانمود می کردند! اما تبلیغات صحیح دستگاه امامت، تمام این بافته‌ها را عوض کرد. حق، این گونه است.

۶۸ / ۱۰۶ / ۲۹

منبع:

پایگاه مقام معظم رهبری

منتدیات یا حسین

## اربعین نور

### جویبار همیشه جاری

هر اربعین حسینی، قاصد حماسه نامیرا، پیامدار استعلای ایمان، نشانه‌ای از شکوه عشق، و برگ همیشه سبزی بر درخت همواره سرخ شهادت است. اربعین یک واژه نیست؛ کتابی قطور و پرمجراست. کتابی که گذر زمان و حادثه‌های زمین، هرگز نمی تواند نوشته‌های آن را محو کند و البته کهنگی در آن راه ندارد. اربعین، هنرنامه مصور آرمان گرایی و حق یآوری است. اربعین، نشانه‌ای بر اعتلای دین و بالندگی زمزمه‌های دعا و تلاوت قرآن در شب عاشورای حسینی است. اربعین، صدای عدالت و صداقت، و شاخه‌های درخت آزادی است که از خاک کربلا رویده و تا ژرفای روزها و روزگاران ریشه دوانیده است. اربعین، جویبار همیشه جاری و سرخ تاریخ، و جوشش چشمه‌های خون خداوند از چهار سوی عالم است.

### چله عارفانه تشیع

عاشورا، روز شهادت حماسه سازان و اربعین، روز زیارت مرقد عاشورا سازان است. عاشورا، خروش خون حسین و اربعین، پژواک این فریاد ظلم شکن است. عاشورا و اربعین، نقطه ابتدا و انتهای عشق نیست؛ بلکه چله عارفانه تشیع سرخ علوی است. عاشورا تا اربعین، نقطه اوج عشق حسینی است و در این چهل روز، حسین علیه السلام تنها سخن محافل است تا در طول عمر انسان، بهانه بیداری و ظلم ستیزی باشد. عاشورا، زمانه خون و ایثار است و اربعین، بهانه تبلیغ و پیمان. در عاشورا، حسین علیه



السلام با تاریخ سخن گفت و در اربعین، تاریخ پای درس حسین علیه السلام نشست. عاشورا روز کشت «خون خدا» در کویر جامعه ظلم زده است و اربعین، آغاز برداشت نخستین ثمره آن. آری، اربعین فرصتی برای اعلام همبستگی با عاشورا است.

## اهمیت اربعین

گرامی داشت اربعین، تعظیم شعایر دینی و رمز پویایی همیشگی نهضت پربار حسینی و اعلام پای بندی به مکتب سرخ عاشورا است. اگر پیشوایان معصوم ما به برگزاری مراسم عزاداری، نوحه خوانی و مرثیه سرایی تأکید بسیار داشته اند و اگر برای گریاندن و گریستن، زیارت کردن و نماز خواندن بر تربت امام حسین ۷ ثواب و فضیلت های فراوانی بیان کرده اند، به دلیل همین آثار بالنده معنوی و عاطفی است که در روح مسلمانان آزاده بر جای می گذارد.

## سرگذشت جاودانه

در آینه تاریخ، حوادثی دیده می شود که مثل یک حباب در خاطره ها می ترکد و گرد و غبار فراموشی می پذیرد و به کلی از صفحه یادها محو می شود. اما حوادثی نیز هست که همانند موج، دامنه می گیرد، گسترده می شود و کران تا کران را در می نوردد. چنین حادثه هایی، جاوید و بی مرگ است و هیچ سدّ و پرده ای را توان پوشاندن آنها نیست. یکی از این سرگذشت های جاودانه، یاد بزرگ سردار دشت کربلا، حضرت حسین بن علی علیه السلام است که با هر اربعین، حرمتی فزون تر می یابد؛ زیرا گرامی داشت چهلمین روز شهادت آن پرچمدار بزرگ اسلام، زنده نگه داشتن یاد و خاطره او و پاسداری از ارزش های معنوی است. حتی در نخستین اربعین عاشورای حسینی نیز، جابر بن عبدالله انصاری و عطیه عوفی، به زیارت تربت پاک سیدالشهداء رفتند و در سوگ آن عزیز گریستند و به عزاداری پرداختند. از آن پس، در این روز، مراسم با شکوهی در کشورهای مختلف برگزار می شود تا شور و حماسه دیگری در تداوم عاشورا پدید آید.

## تأکید بر زیارت امام حسین علیه السلام

از مقدس ترین و با فضیلت ترین عبادت هایی که در فرهنگ روایی اسلام به آن سفارش شده، زیارت اولیای الهی و امامان معصوم علیهم السلام است و در میان آن بزرگواران، زیارت امام حسین علیه السلام اهمیت ویژه ای دارد، به گونه ای که برای زیارت هیچ یک از معصومان، این اندازه سفارش نشده است. امام صادق علیه السلام به ابن بُکیر که از ترس در راه زیارت امام حسین علیه السلام سخن می گفت، فرمود: «آیا دوست نداری که خداوند تو را در راه ما ترسان بیند؟» از آن جا که خداوند قلب های مردم را در گرو عشق به امام حسین علیه السلام نهاد و عشق، عاشق را به سر منزل دوست می رساند، عاشقان حسین علیه السلام از نخستین اربعین، با وجود حاکمیت بیداد اموی و انواع فشارهای پنهان و آشکار، پای در راه زیارت حضرت ابی عبدالله نهادند و تا به امروز، زیارت امام حسین علیه السلام به عنوان یک آرزوی همیشگی برای هر مسلمان بوده است.

## آثار و برکات زیارت امام حسین علیه السلام

در روایات اسلامی، برای زیارت قبر سیدالشهداء، آثار و برکات زیادی نقل شده است؛ زیارتی که در آن شناخت و تقرب

وجود داشته باشد. از جمله علامه مجلسی رحمه الله در بحارالانوار، چنین آورده است:

۱. خداوند خطاب به فرشتگان مقرب نموده و می فرماید: «آیا زائران حسین را نمی بینید که چگونه با شور و شوق به زیارت او می شتابند؟»

۲. «زائر امام حسین علیه السلام در فراز عرش، هم سخن آفریدگارش می شود».

۳. «زائر امام حسین علیه السلام در بهشت به همسایگی پیامبر و خاندانش مفتخر و مهمان آنان می گردد».

۴. «زائر امام حسین علیه السلام به مقام فرشتگان گرامی خدا ارتقاء می یابد».

## اربعین حسینی و کودکان

### اربعین حسینی و کودکان

صدای سنج، صدای زنجیر، صدای نوحه. مگه چه خبر شده بچه ها؟ باز هم همه جا سیاه پوش شده بچه ها. آخه می دونید، امروز اربعین امام حسین. کی می دونه اربعین چه روزیه. بله بچه های خوبم. امروز چهل روز از واقعه عاشورا می گذره و برای همین، ما هر سال چهلم شهدای کربلا رو عزاداری می کنیم تا باز هم به یاد شهادت امام حسین علیه السلام باشیم و بر کسانی که اون حضرت و یارانش رو به شهادت رسوندن، لعنت بفرستیم. پس امروز هم که شما بچه های خوب و عاشق امام حسین، در مراسم اربعین حسینی شرکت می کنید، یادتون باشه دعا کنید تا خدای بزرگ همه دشمنای دین اسلام رو نابود کنه. ان شاء الله .

### دیداری دوباره

بچه ها! احمد به مطالعه خیلی علاقه داره. اون کتاب های زیادی درباره زندگی پیامبران و امامان مطالعه کرده و چیزهای زیادی می دونه. اون امروز دوستاشو دور هم جمع کرده و درباره اربعین حسینی براشون حرف می زنه. اون می دونه که اربعین روزیه که حضرت زینب علیهاالسلام و کاروان اهل بیت پس از مدت ها به کربلا رفتن و دوباره با شهدای کربلا دیدار کردن و بر سر مرقد مطهرشون عزاداری کردن. اون از شهدای کربلا و وقایع عاشورا برای بچه ها حرف زد و بعد هم همه با هم برای شهدای کربلا و به مناسبت اربعین امام حسین عزاداری کردن. آفرین به احمد و همه بچه های با ایمان کشورمون.

### عزاداری اربعین

هر سال، روزی مثل امروز، یعنی اربعین حسینی که همه برای امام حسین علیه السلام و یارانش عزاداری می کنن، توی خونه مهتاب کوچولو هم یه مراسم برپاست. هر سال اربعین که می شه، اهالی محل به خونه اونا می آن تا با هم زیارت اربعین رو بخونن و برای امام حسین علیه السلام عزاداری کنن. مهتاب کوچولو هم که به امام حسین علیه السلام خیلی علاقه داره، همیشه توی برگزاری این مراسم به پدر و مادرش کمک می کنه و مثلاً- اون کتاب های زیارت اربعین رو بین مردم تقسیم می کنه. خدای بزرگ بچه های خوبی مثل مهتاب رو خیلی خیلی دوست داره. بچه های با ایمانی که برای امام هاشون عزاداری می کنن. من می دونم که شما بچه ها هم همین طور هستید.

## نشانه ایمان

بچه های خوبم! توی دین ما اسلام، دستورهایی وجود داره که باعث سعادت‌مندی انسان می شه؛ یعنی انسان با انجام دادن اون دستورها، به خدا نزدیک تر شده و پاداش خوبی از خدا می گیره. حالا خوب گوش کنید. امام حسن عسگری علیه السلام امام یازدهم ما شیعیان فرمودن که انسان با ایمان چند تا نشونه داره. یکی از نشونه های آدم با ایمان، خوندن زیارت اربعین امام حسین علیه السلام. امیدوارم که شما بچه های خوب و با ایمان، از همین دوران کودکی هر سال به همراه بزرگ تراتون یا خودتون به تنهایی بتونید روزهای اربعین، این زیارت رو بخونید و برای ما هم دعا کنید.

## زیارت اربعین

سلام بر تو ای ولی خدا و حبیب خاص خدا، سلام بر تو ای دوست دار و محبوب و برگزیده خدا! نمی دونم چند نفر از شما بچه های خوبم تا حالا زیارت اربعین امام حسین علیه السلام رو خوندید. جمله هایی رو که براتون خوندم، قسمت هایی از زیارت اربعینه که در روز اربعین، شیعیان اون رو می خونن. ما در این دعا، به امام حسین علیه السلام که در کربلا به شهادت رسید، سلام و درود می فرستیم و از خدا می خوایم که دشمنان و کسانی که امام سوم ما شیعیان و یارانش رو به شهادت رسوندن، به سزای عملشون برسونه. امیدوارم که همتون بتونید این زیارت زیبا رو در روز اربعین بخونید.

## عزاداران اربعین

آفرین به شما بچه هایی که عاشق امامانتون هستید. بله با شما هستم، با شما دوستای خوبم که از همین الان لباس های مشکی کوچیکتون رو به تن کردید؛ همون لباس هایی که با خط سبز زیبا روش نوشته شده «یا حسین». چون می دونید که امروز اربعینه و منتظرید تا همراه بزرگ تراتون تو مراسم عزاداری اربعین شرکت کنید. شما بچه های با ایمان به اون مراسم می رید تا پس از گذشت چهل روز از شهادت امام حسین و یارانش، برای امامتون، برای علی اصغر کودک امام حسین که در کربلا به شهادت رسید، عزاداری کنید. آفرین به شما، آفرین.

## بازگشت دوباره

بچه ها! می خوام براتون یه قصه بگم، خوب گوش کنید. مدت ها از واقعه عاشورا می گذشت و یزید، که دشمن دین خدا بود، دستور داد تا اسرای کربلا- رو به مدینه ببرن. برای همین یکی از سربازانش رو مأمور کرد تا اسرا رو به مدینه برسونه. حضرت زینب علیها السلام که در میون اسرا بود، از اون مأمور درخواست کرد تا اون ها رو به کربلا ببره تا حضرت زینب و بقیه اهل بیت، بتونن مرقد پاک امام حسین علیه السلام و یارانش رو زیارت کنن. اون مأمور هم قبول کرد و اون ها روز چهارم، یعنی اربعین به کربلا رسیدن. پس بچه ها، اربعین روزیه که حضرت زینب و دیگر اسیران بعد از چهل روز که از عاشورا می گذشت، دوباره به کربلا اومدن و مرقد امام حسین علیه السلام و یارانش رو زیارت کردن.

## خواهر داغ دیده

خیلی از شما بچه های عزیزم، حتما چیزهای زیادی درباره واقعه عاشورا و شهادت امام حسین شنیدید، ولی بینم درباره اربعین حسینی هم کسی براتون حرفی زده؟ همون روزی که حضرت زینب و دیگر اسرا به میون کشتگان کربلا آمدن. در اون روز، حضرت زینب وقتی به مزار برادرش امام حسین علیه السلام رسید، به یاد روز عاشورا افتاد و اشک از چشمانش جاری شد و با برادرش از رنج هایی که کشیده بود حرف زد و از دست دشمن شکایت کرد.

بچه های عزیز! ما هم برای زنده موندن نام امام حسین علیه السلام، هر سال عاشورا و اربعین رو با شکوه بیش تری عزاداری می کنیم.

## پرسش هایی درباره اربعین حسینی

### نکاتی درباره ی اربعین

۱. عدد چهل
  ۲. اربعین امام حسین (علیه السلام)
  ۳. بازگشت اسیران به مدینه یا کربلا
  ۴. میرزا حسین نوری و اربعین
  ۵. شهید قاضی طباطبائی و اربعین
- اعتبار اربعین امام حسین (علیه السلام) از قدیم الایام میان شیعیان و در تقویم تاریخی وفاداران به امام حسین (علیه السلام) شناخته شده بوده است. کتاب مصباح المتهجد شیخ طوسی که حاصل گزینش دقیق و انتخاب معقول شیخ طوسی از روایات فراوان درباره تقویم مورد نظر شیعه درباره ایام سوگ و شادی و دعا و روزه و عبادت است، ذیل ماه «صفر» می نویسد: نخستین روز این ماه (از سال ۱۲۱)، روز کشته شدن زید بن علی بن الحسین است.
- روز سوم این ماه از سال ۶۴ روزی است که مسلم بن عقبه پرده کعبه را آتش زد و به دیوارهای آن سنگ پرتاب نمود در حالی که به نمایندگی از یزید با عبدالله بن زبیر در نبرد بود.
- روز ۲۰ صفر - یعنی اربعین - زمانی است که حرم امام حسین (علیه السلام) یعنی کاروان اسرا، از شام به مدینه مراجعت کردند. و روزی است که جابر بن عبدالله بن حرام انصاری، صحابی رسول خدا (ص)، از مدینه به کربلا رسید تا به زیارت قبر امام حسین (علیه السلام) بشتابد و او نخستین کسی است از مردمان که قبر آن حضرت را زیارت کرد.
- اعمال روز اربعین امام حسین (علیه السلام):
- در این روز زیارت امام حسین (علیه السلام) مستحب است و این زیارت، همانا خواندن زیارت اربعین است که از امام عسکری (علیه السلام) روایت شده که فرمود: علامات مؤمن پنج تاست: خواندن ۵۱ رکعت نماز در شبانه روز - نمازهای واجب و نافله و نماز و شب - به دست کردن انگشتری در دست راست، برآمدن پیشانی از سجده، و بلند خواندن بسم الله الرحمن الرحیم در نماز.
- شیخ طوسی سپس متن زیارت اربعین را با سند به نقل از حضرت صادق علیه السلام آورده است: السلام علی ولی الله و حبیبه، السلام علی خلیل الله و نجیبه، السلام علی صفی الله و ابن صفیه...
- این مطلبی است که شیخ طوسی، عالم فرهیخته و معتبر و معقول شیعه در قرن پنجم درباره اربعین آورده است. طبعاً بر اساس

اعتباری که این روز میان شیعیان داشته است، از همان آغاز که تاریخش معلوم نیست، شیعیان به حرمت آن، زیارت اربعین می‌خوانده‌اند و اگر می‌توانسته‌اند مانند جابر بر مزار امام حسین (علیه السلام) گرد آمده و آن امام را زیارت می‌کردند. این سنت تا به امروز در عراق با قوت برپاست و شاهدیم که میلیونها شیعه عراقی و غیر عراقی در این روز بر مزار امام حسین (علیه السلام) جمع می‌شوند.

در اینجا و در ارتباط با اربعین چند نکته را باید توضیح داد.

## ۱. عدد چهل

نخستین مسأله‌ای که در ارتباط با «اربعین» جلب توجه می‌کند، تعبیر اربعین در متون دینی است. ابتدا باید نکته‌ای را به عنوان مقدمه یادآور شویم:

اصولا باید توجه داشت که در نگرش صحیح دینی، اعداد نقش خاصی به لحاظ عدد بودن، در القای معنا و منظوری خاص ندارند؛ به این صورت که کسی نمی‌تواند به صرف این که در فلان مورد یا موارد، عدد هفت یا دوازده یا چهل یا هفتاد به کار رفته، استنباط و استنتاج خاصی داشته باشد. این یادآوری، از آن روست که برخی از فرقه‌های مذهبی، بویژه آنها که تمایلات «باطنی‌گری» داشته یا دارند و گاه و بیگاه خود را به شیعه نیز منسوب می‌کرده‌اند، و نیز برخی از شبه فیلسوفان متأثر از اندیشه‌های انحرافی و باطنی و اسماعیلی، مروج چنین اندیشه‌ای درباره اعداد یا نوع حروف بوده و هستند.

در واقع، بسیاری از اعدادی که در نقلهای دینی آمده، می‌تواند بر اساس یک محاسبه الهی باشد، اما این که این عدد در موارد دیگری هم کاربرد دارد و بدون یک مستند دینی می‌توان از آن در سایر موارد استفاده کرد، قابل قبول نیست. به عنوان نمونه، در دهها مورد در کتابهای دعا، عدد صد بکار رفته که فلان ذکر را صد مرتبه بگویید، اما این دلیل بر تقدس عدد صد به عنوان صد نمی‌شود. همینطور سایر عددها. البته ناخواسته برای مردم عادی، برخی از این اعداد طی روزگاران، صورت تقدس به خود گرفته و گاه سوء استفاده‌هایی هم از آنها می‌شود.

تنها چیزی که درباره برخی از این اعداد می‌شود گفت آن است که آن اعداد معین نشانه کثرت است. به عنوان مثال، درباره هفت چنین اظهار نظری شده است. بیش از این هر چه گفته شود، نمی‌توان به عنوان یک استدلال به آن نظر کرد.

مرحوم اربلی، از علمای بزرگ امامیه، در کتاب کشف الغمه فی معرفه الائمه در برابر کسانی که به تقدس عدد دوازده و بروج دوازده گانه برای اثبات امامت ائمه اطهار (علیه السلام) استناد کرده‌اند، اظهار می‌دارد، این مسأله نمی‌تواند چیزی را ثابت کند؛ چرا که اگر چنین باشد، اسماعیلیان یا هفت امامی‌ها، می‌توانند دهها شاهد - مثل هفت آسمان - ارائه دهند که عدد هفت مقدس است، کما این که این کار را کرده‌اند.

عدد «اربعین» در متون دینی

یکی از تعبیرهای رایج عددی، تعبیر اربعین است که در بسیاری از موارد به کار رفته است. یک نمونه آن که سن رسول خدا (صلی الله علیه واله) در زمان مبعوث شدن، چهل بوده است. گفته شده که عدد چهل در سن انسانها، نشانه بلوغ و رشد فکری است. گفتنی است که برخی از انبیاء در سنین کودکی به نبوت رسیده‌اند. از ابن عباس (گویا به نقل از پیامبر (ص)) نقل شده که اگر کسی چهل ساله شد و خیرش بر شرش غلبه نکرد، آماده رفتن به جهنم باشد. در نقلی آمده است که، مردمان طالب دنیایند تا چهل سالشان شود. پس از آن در پی آخرت خواهند رفت. (مجموعه ورام، ص ۳۵)

در قرآن آمده است «میقات» موسی با پروردگارش در طی چهل روز حاصل شده است. در نقل است که، حضرت آدم چهل

شبانه روز بر روی کوه صفا در حال سجده بود. (مستدرک وسائل ج ۹، ص ۳۲۹) در باره بنی اسرائیل هم آمده که برای استجابت دعای خود چهل شبانه روز ناله و ضججه می کردند. (مستدرک ج ۵، ص ۲۳۹) در نقلی آمده است که اگر کسی چهل روز خالص برای خدا باشد، خداوند او را در دنیا زاهد کرده و راه و چاه زندگی را به او می آموزد و حکمت را در قلب و زبانش جاری می کند. بدین مضمون روایات فراوانی وجود دارد. چله نشینی صوفیان هم درست یا غلط، از همین بابت بوده است. علامه مجلسی در کتاب بحار الانوار در این باره که برگرفتن چهل نشینی از حدیث مزبور نادرست است، به تفصیل سخن گفته است.

اعتبار حفظ چهل حدیث که در روایات فراوان دیگر آمده، سبب تألیف صدها اثر با عنوان اربعین در انتخاب چهل حدیث و شرح و بسط آنها شده است. در این نقلها آمده است که اگر کسی از ائمت من، چهل حدیث حفظ کند که در امر دینش از آنها بهره برد، خداوند در روز قیامت او را فقیه و عالم محشور خواهد کرد. در نقل دیگری آمده است که امیرمؤمنان (علیه السلام) فرمودند: اگر چهل مرد با من بیعت می کردند، در برابر دشمنانم می ایستادم. (الاحتجاج، ص ۸۴) مرحوم کفعمی نوشته است: زمین از یک قطب، چهار نفر از اوتاد و چهل نفر از ابدال و هفتاد نفر نجیب، هیچگاه خالی نمی شود. (بحار ج ۵۳، ص ۲۰۰)

درباره نطفه هم تصور براین بوده که بعد از چهل روز علقه می شود. همین عدد در تحولات بعدی علقه به مضعه تا تولد در نقلهای کهن بکار رفته است، گویی که عدد چهل مبدأ یک تحول دانسته شده است.

در روایت است که کسی که شرابخواری کند، نمازش تا چهل روز قبول نمی شود. و نیز در روایت است که کسی که چهل روز گوشت نخورد، خلقش تند می شود. نیز در روایت است که کسی که چهل روز طعام حلال بخورد، خداوند قبلش را نورانی می کند. نیز رسول خدا (صلی الله علیه و اله) فرمود: کسی که لقمه حرامی بخورد، تا چهل روز دعایش مستجاب نمی شود. (مستدرک وسائل، ج ۵، ص ۲۱۷) اینها نمونه ای از نقلهایی بود که عدد اربعین در آنها به کار رفته است.

## ۲. اربعین امام حسین (علیه السلام)

باید دید در کهن ترین متون مذهبی ما، از «اربعین» چگونه یاد شده است. به عبارت دیگر دلیل برزگداشت اربعین چیست؟ چنان که در آغاز گذشت، مهمترین نکته درباره اربعین، روایت امام عسکری (علیه السلام) است. حضرت در روایتی که در منابع مختلف از ایشان نقل شده فرموده اند: نشانه های مؤمن پنج چیز است: ۱- خواندن پنجاه و یک رکعت نماز (۱۷ رکعت نماز واجب + ۱۱ نماز شب + ۲۳ نوافل) ۲- زیارت اربعین ۳- انگشتی در دست راست ۴- وجود آثار سجده بر پیشانی ۵- بلند خواندن بسم الله در نماز.

این حدیث تنها مدرک معتبری است که جدای از خود زیارت اربعین که در منابع دعایی آمده، به اربعین امام حسین (علیه السلام) و بزرگداشت آن روز تصریح کرده است.

اما این که منشأ اربعین چیست، باید گفت، در منابع به این روز به دو اعتبار نگریسته شده است.

نخست: روزی که اسرای کربلا از شام به مدینه مراجعت کردند.

دوم: روزی که جابر بن عبدالله انصاری، صحابی پیامبر خدا (ص) از مدینه به کربلا وارد شد تا قبر حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) را زیارت کند. شیخ مفید (م ۴۱۳) در «مسار الشیعه» که در ایام موالید و وفیات ائمه اطهار علیهم السلام است،

اشاره به روز اربعین کرده و نوشته است: این روزی است که حرم امام حسین (علیه السلام)، از شام به سوی مدینه مراجعت کردند. نیز روزی است که جابر بن عبدالله برای زیارت امام حسین (علیه السلام) وارد کربلا شد.

کهن ترین کتاب دعایی مفصل موجود، کتاب «مصباح المتهدج» شیخ طوسی از شاگردان شیخ مفید است که ایشان هم همین مطلب را آورده است. شیخ طوسی پس از یاد از این که روز نخست ماه صفر روز شهادت زید بن علی بن الحسین (علیه السلام) و روز سوم ماه صفر، روز آتش زدن کعبه توسط سپاه شام در سال هجری است، می نویسد: بیستم ماه صفر (چهل روز پس از حادثه کربلا) روزی است که حرم سید ما ابا عبدالله الحسین از شام به مدینه مراجعت کرد و نیز روزی است که جابر بن عبدالله انصاری، صحابی رسول خدا (ص) از مدینه وارد کربلا شد تا قبر حضرت را زیارت کند. او نخستین کس از مردمان بود که امام حسین (علیه السلام) را زیارت کرد. در چنین روزی زیارت آن حضرت مستحب است و آن زیارت اربعین است. (مصباح المتهدج، ص ۷۸۷) در همانجا آمده است که وقت خواندن زیارت اربعین، هنگامی است که روز بالا آمده است.

در کتاب «نزهة الزاهد» هم که در قرن ششم هجری تألیف شده، آمده: در بیستم این ماه بود که حرم محترم حسین از شام به مدینه آمدند. (نزهة الزاهد، ص ۲۴۱) همین طور در ترجمه فارسی فتوح ابن اعثم (الفتوح ابن اعثم، تصحیح مجد طباطبائی، ص) و کتاب مصباح کفعمی که از متون دعایی بسیار مهم قرن نهم هجری است این مطلب آمده است. برخی استظهار کرده اند که عبارت شیخ مفید و شیخ طوسی، بر آن است که روز اربعین، روزی است که اسرا از شام به مقصد مدینه خارج شدند نه آن که در آن روز به مدینه رسیدند. (لؤلؤ و مرجان، ص ۱۵۴) به هر روی، زیارت اربعین از زیارت های مورد وثوق امام حسین (علیه السلام) است که از لحاظ معنا و مفهوم قابل توجه است.

### ۳. بازگشت اسیران به مدینه یا کربلا

اشاره کردیم که شیخ طوسی، بیستم صفر یا اربعین را، زمان بازگشت اسرای کربلا از شام به مدینه دانسته است. باید افزود که نقلی دیگر، اربعین را بازگشت اسرا از شام را به «کربلا» تعیین کرده است. تا اینجا، از لحاظ منابع کهن، باید گفت اعتبار سخن نخست بیش از سخن دوم است. با این حال، علامه مجلسی پس از نقل هر دو این ها، اظهار می دارد: احتمال صحت هر دوی اینها (به لحاظ زمانی) بعید می نماید. (بحار ج ۱۰۱، ص ۳۳۴ - ۳۳۵) ایشان این تردید را در کتاب دعایی خود «زاد المعاد» هم عنوان کرده است. با این حال، در متون بالنسبه قدیمی، مانند «لهوف» و «مثیر الاحزان» آمده است که اربعین، مربوط به زمان بازگشت اسرا، از شام به کربلاست. اسیران، از راهنمایان خواستند تا آنها را از کربلا عبور دهند.

باید توجه داشت که این دو کتاب، در عین حال که مطالب مفیدی دارند، از جهاتی، اخبار ضعیف و داستانی هم دارند که برای شناخت آنها باید با متون کهن تر مقایسه شده و اخبار آنها ارزیابی شود. این نکته را هم باید افزود که منابعی که پس از لهوف، به نقل از آن کتاب این خبر را نقل کرده اند، نباید به عنوان یک منبع مستند و مستقل، یاد شوند. کتابهایی مانند «حبيب السیر» که به نقل از آن منابع خبر بازگشت اسرا را به کربلا آورده اند، (نفس المهموم ترجمه شعرانی، ص ۲۶۹) نمی توانند مورد استناد قرار گیرند.

در اینجا مناسب است دو نقل را در باره تاریخ ورود اسرا به دمشق یاد کنیم. نخست نقل ابوریحان بیرونی است که نوشته است: در نخستین روز ماه صفر، أدخل رأس الحسين عليه السلام مدينة دمشق، فوضعه يزيد لعنه الله بين يديه و نقر ثنایاه بقضيب كان في يده و هو يقول:

لست من خندق ان لم أنتقم

من بنی أحمد، ما کان فَعَلَ  
لِیتَ أشیاخی بیدرِ شهدوا  
جَزَع الخزرج من وقع الاسل  
فأهلّوا و استهلّوا فرحا  
ثم قالوا: یا یزید لاتشل  
قد قتلنا القرن من أشیاخهم  
و عدلناه بیدر ، فاعتدل (الاثار الباقیه، ص ۴۲۲)

وی روز اول ماه صفر را روزی می داند که سر امام حسین (علیه السلام) علیه السلام را وارد دمشق کرده و یزید هم در حالی که اشعار ابن زبیری را می خواند و بی‌تی هم بر آن افزوده بود، با چوبی که در دست داشت بر لبان امام حسین (علیه السلام) می زد.

دوم سخن عماد الدین طبری (م حوالی ۷۰۰) در «کامل بهائی» است که رسیدن اسرا به دمشق را در ۱۶ ربیع الاول دانسته - یعنی ۶۶ روز پس از عاشورا - میدانند که طبیعی تر می نماید.

#### ۴. میرزا حسین نوری و اربعین

علامه میرزا حسین نوری از علمای برجسته شیعه، و صاحب کتاب «مستدرک الوسائل» در کتاب «لؤلؤ و مرجان در آداب اهل منبر» به نقد و ارزیابی برخی از روضه‌ها و نقل‌هایی پرداخته که به مرور در جامعه شیعه رواج یافته و به نظر وی از اساس، نادرست بوده است. ظاهراً وی در دوره اخیر نخستین کسی است که به نقد این روایت پرداخته و دلایل متعددی در نادرستی آن اقامه کرده است.

ایشان این عبارت سید بن طاوس در لهوف را نقل کرده است که اسرا در بازگشت از شام، از راهنمای خود خواستند تا آنها را به کربلا ببرد؛ و سپس به نقد آن پرداخته است. (لؤلؤ و مرجان، ص ۱۵۲)

داستان از این قرار است که سید بن طاوس در «لهوف» خبر بازگشت اسراء را به کربلا در اربعین نقل کرده است. در آنجا منبع این خبر نقل نشده و گفته می‌شود که وی در این کتاب مشهورات میان شیعه را که در مجالس سوگواری بوده، در آن مطرح کرده است.

اما همین سید بن طاوس در «اقبال الاعمال» با اشاره به این که شیخ طوسی در مصباح می گوید اسرا روز اربعین از شام به سوی مدینه حرکت کردند و خبر نقل شده در غیر آن که بازگشت آنان را در اربعین به کربلا دانسته‌اند، در هر دو مورد تردید می‌کند. تردید او از این ناحیه است که این زیاد مدتی اسراء را در کوفه نگه داشت. با توجه به این مطلب و زمانی که در این نگه داشته صرف شده و زمانی که در مسیر رفت به شام و اقامت یک ماهه در آنجا و بازگشت مورد نیاز است، بعید است که آنان در اربعین به مدینه یا کربلا رسیده باشند. ابن طاوس می گوید: این که اجازه بازگشت به کربلا به آنها داده باشد، ممکن است، اما نمی‌توانسته در اربعین باشد. در خبر مربوط به بازگشت آنان به کربلا گفته شده است که همزمان با ورود جابر به کربلا بوده و با او برخورد کرده اند. ابن طاوس در این که جابر هم روز اربعین به کربلا رسیده باشد، تردید می‌کند. (اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۱۰۱).

این ممکن است که ابن طاوس لهوف را در جوانی و اقبال را در دوران بلوغ فکری تألیف کرده باشد. در عین حال ممکن



است دلیل آن این باشد که آن کتاب را برای محافل روضه خوانی و این اثر را به عنوان یک اثر علمی نوشته باشد. دلیلی ندارد که ما تردید های او را در آمدن جابر به کربلا در روز اربعین بپذیریم. به نظر می رسد منطقی ترین چیزی که برای اعتبار اربعین در دست است همین زیارت جابر در نخستین اربعین به عنوان اولین زائر است.

اما درباره اعتبار اربعین به بازگشت اسرا به کربلا توجه به این نکته هم اهمیت دارد که شیخ مفید در کتاب مهم خود در باب زندگی امامان و در بخش خاص به امام حسین (علیه السلام) از کتاب «ارشاد» در خبر بازگشت اسرا، اصلاً اشاره ای به این که اسرا به عراق بازگشتند ندارد. همین طور ابومخنف راوی مهم شیعه هم اشاره ای در مقتل الحسین خود به این مطلب ندارد. در منابع کهن تاریخ کربلا هم مانند انساب الاشراف، اخبار الطوال، و طبقات الکبری اثری از این خبر دیده نمی شود.

روشن است که حذف عمدی آن معنا ندارد؛ زیرا برای چنین حذف و تحریفی، دلیلی وجود ندارد.

خبر زیارت جابر، در کتاب بشارة المصطفی آمده، اما به ملاقات وی با اسرا اشاره نشده است.

مرحوم حاج شیخ عباس قمی هم، به تبع استاد خود نوری، داستان آمدن اسرای کربلا را در اربعین از شام به کربلا نادرست دانسته است. (منتهی الامال، ج ۱، صص ۸۱۷ - ۸۱۸) در دهه های اخیر مرحوم محمد ابراهیم آیتی هم در کتاب بررسی تاریخ عاشورا بازگشت اسرا را به کربلا انکار کرده است. (بررسی تاریخ عاشورا، صص ۱۴۸ - ۱۴۹) همین طور آقای مطهری که متأثر از مرحوم آیتی است. اما این جماعت یک مخالف جدی دارند که شهید قاضی طباطبائی است.

## ۵. شهید قاضی طباطبائی و اربعین

شهید محراب مرحوم حاج سید محمدعلی قاضی طباطبائی رحمه الله علیه، کتاب مفصلی با نام «تحقیق درباره اولین اربعین حضرت سید الشهداء» درباره اربعین نوشت که اخیراً هم به شکل تازه و زیبایی چاپ شده است.

هدف ایشان از نگارش این اثر آن بود تا ثابت کند، آمدن اسرای از شام به کربلا در نخستین اربعین، بعید نیست. این کتاب که ضمن نهصد صفحه چاپ شده، مشتمل بر تحقیقات حاشیه ای فراوانی در باره کربلاست که بسیار مفید و جالب است. اما به نظر می رسد در اثبات نکته مورد نظر با همه زحمتی که مؤلف محترم کشیده، چندان موفق نبوده است.

ایشان درباره این اشکال که امکان ندارد اسرا ظرف چهل روز از کربلا- به کوفه، از آنجا به شام و سپس از شام به کربلا بازگشته باشند، هفده نمونه از مسافرتها و مسیرها و زمانهایی که برای این راه در تاریخ آمده را به تفصیل نقل کرده اند. در این نمونه ها آمده است که مسیر کوفه تا شام و به عکس از یک هفته تا ده دوازده روز طی می شده و بنابر این، ممکن است که در یک چهل روز، چنین مسیر رفت و برگشتی طی شده باشد. اگر این سخن بیرونی هم درست باشد که سر امام حسین (علیه السلام) روز اول صفر وارد دمشق شده، می توان اظهار کرد که بیست روز بعد، اسرا می توانستند در کربلا باشند.

باید به اجمال گفت: بر فرض که طی این مسیر برای یک کاروان، در چنین زمان کوتاهی، با آن همه زن و بچه ممکن باشد، باید توجه داشت که آیا اصل این خبر در کتابهای معتبر تاریخ آمده است یا نه. تا آنجا که می دانیم، نقل این خبر در منابع تاریخی، از قرن هفتم به آن سوی تجاوز نمی کند. به علاوه، علمای بزرگ شیعه، مانند شیخ مفید و شیخ طوسی، نه تنها به آن اشاره نکرده اند، بلکه به عکس آن تصریح کرده و نوشته اند: روز اربعین روزی است که حرم امام حسین (علیه السلام) وارد مدینه شده یا از شام به سوی مدینه خارج شده است.

آنچه می ماند این است که نخستین زیارت امام حسین (علیه السلام) در نخستین اربعین، توسط جابر بن عبدالله انصاری صورت گرفته است و از آن پس ائمه اطهار علیهم السلام که از هر فرصتی برای رواج زیارت امام حسین (علیه السلام) بهره می گرفتند،

آن روز را که نخستین زیارت در آن انجام شده، به عنوان روزی که زیارت امام حسین (علیه السلام) در آن مستحب است، اعلام فرمودند.

متن زیارت اربعین هم از سوی حضرت صادق علیه السلام انشاء شده و با داشتن آن مضامین عالی، شیعیان را از زیارت آن حضرت در این روز برخوردار می‌کند.

اهمیت خواندن زیارت اربعین تا جایی است که از علائم شیعه دانسته شده است، درست آن گونه که بلند خواندن بسم الله در نماز و خواندن پنجاه و یک رکعت نماز در شبانه روز در روایات بیشماری، از علائم شیعه بودن عنوان شده است.

زیارت اربعین در «مصباح المتهدج» شیخ طوسی و نیز «تهذیب الاحکام» وی به نقل از صفوان بن مهران جمال آمده است. وی گفت که مولایم صادق (علیه السلام) فرمود: زیارت اربعین که باید وقت برآمدن روز خوانده شود چنین است..... (مصباح المتهدج، ص ۷۸۸، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۱۳، اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۱۰۱، مزار شهدی، ص ۵۱۴ (تحقیق قیومی)، مزار شهید اول (تحقیق مدرسه الامام المهدی، قم ۱۴۱۰)، ص ۱۸۵ - ۱۸۶).

این زیارت، به جهاتی مشابه برخی از زیارات دیگر است، اما از آن روی که مشتمل بر برخی از تعابیر جالب در زمینه هدف امام حسین از این قیام است، دارای اهمیت ویژه می‌باشد. در بخشی از این زیارت در باره هدف امام حسین (علیه السلام) از این نهضت آمده است: "... و بذل مهجته فیک لیستنقذ عبادک من الجهالة و حیره الضلالة... و قد توازر علیه من غرته الدنيا و باع حظّه بالارذل الادنی".

خدایا، امام حسین (علیه السلام) همه چیزش را برای نجات بندگان از نابرداری و سرگستگی و ضلالت در راه تو داده در حالی که مستی فریب خورده که انسانیت خود را به دنیای پست فروخته‌اند بر ضد وی شوریده آن حضرت را به شهادت رساندند.

دو نکته کوتاه:

نخست آن که برخی از روایاتی که در باب زیارت امام حسین (علیه السلام) در کتاب کامل الزیارات ابن قولویه آمده، گریه چهل روزه آسمان و زمین و خورشید و ملائکه را بر امام حسین (علیه السلام) یادآور شده است. (اربعین شهید قاضی، ص ۳۸۶)

دوم این که ابن طاووس یک اشکال تاریخی هم نسبت به اربعین بودن روز بیستم صفر مطرح کرده و آن این که اگر امام حسین (علیه السلام) روز دهم محرم به شهادت رسیده باشد، اربعین آن حضرت نوزدهم صفر می‌شود نه بیستم. در پاسخ گفته شده است، به احتمال ماه محرمی که در دهم آن امام حسین (علیه السلام) به شهادت رسیده، بیست و نه روز بوده است. اگر ماه کامل بوده، باید گفت که روز شهادت را به شمارش نیاورده اند. (بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۳۳۵).

نویسنده: رسول جعفریان

منبع: سایت تخصصی امام حسین علیه السلام

## اخبار اربعین

زوار شیعه و عزاداران حسینی در روز اربعین در شهر مقدس کربلا سر و روی خود را به نشانه عزا گل آلود کرده و در عزای حضرت سیدالشهدا و یارانش سوگواری می‌کنند

دسته های زنجیرزن در اربعین حسینی در شهر کربلا با نظم و ترتیب در حال عزاداری هستند.

خیل انبوه شیعیان در حال سینه زنی در اربعین حسینی در شهر مقدس کربلا. مداحان شیعه برای انبوه زوار روایت سوزناک واقعه کربلا را در اربعین حسینی نقل می کند. جمعیت سوگوار در اربعین حسینی در شهر کربلا بر سر و سینه می زنند. نوجوانان شیعه زنجیرزن در حال سوگواری برای سالار شهیدان در روز اربعین در شهر مقدس کربلا. انبوه زوار شیعه پیرامون ضریح مطهر بارگاه ملکوتی حضرت امام حسین (ع) در شهر کربلا با خدای خود راز و نیاز کرده و حاجت می طلبند. انبوه زوار شیعه با پای پیاده از کودک و بزرگ پیرو جوان در راه حرم مطهر بارگاه ملکوتی حضرت امام حسین (ع) در شهر کربلا در ایام اربعین بوده و با خدای خود راز و نیاز کرده و حاجت می طلبند.

## زیارت اربعین

### مقدمه

از زیارت هایی که در روایات اسلامی به عنوان علامت ایمان شمرده شده، زیارت اربعین امام حسین علیه السلام است. امام حسن عسکری علیه السلام در این زمینه فرموده است: «پنج چیز علامت مؤمن است: ۵۱ رکعت نماز در شبانه روز، زیارت اربعین، انگشتر در دست راست، بر خاک گذاشتن پیشانی و بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحیم در نماز». زیارت نامه امام حسین علیه السلام در روز اربعین، از امام صادق علیه السلام و به وسیله صفوان جمال نقل شده است. صفوان، ساکن کوفه و از راویان مورد اعتماد به شمار می رود. او فردی پرهیزکار بود که افتخار شاگردی امام کاظم علیه السلام را هم داشته است.

### عطیه و زیارت مرقد امام حسین علیه السلام در اربعین

اربعین و زیارت امام حسین علیه السلام با نام دو تن عجین است. یکی از این دو تن «عطیه بن عوف کوفی» است که در نخستین اربعین سیدالشهداء، به کربلا رفت و مرقد پاک آن حضرت را زیارت نمود. عطیه، اهل کوفه بود و در زمان خلافت امیرمؤمنان علی علیه السلام دیده به جهان گشود. از او نقل شده است: وقتی از مادر متولد شدم، پدرم مرا به کوفه نزد علی علیه السلام برد و عرض کرد: این پسر به تازگی از مادر متولد شده، او را چه بنامم؟ امام فرموده بود: «هذا عطیة الله؛ این هدیه ای الهی است.» به همین مناسبت، مرا عطیه نامیدند. عطیه با «محمد بن اشعث» بر ضد «حجاج بن یوسف ثقفی» حاکم ظالم مدینه قیام کرد، ولی پس از شکست محمد بن اشعث، راهی فارس شد. وی از مردان مورد اعتماد است که شیعه و سنی از او روایت نقل کرده اند. عطیه هم چنین خطبه حضرت زهرا علیها السلام را در مورد غصب فدک از عبدالله بن حسن شنیده و آن را نقل کرده است.

### جابر بن عبدالله انصاری و زیارت اربعین

آن زمان که سر پاک امام حسین علیه السلام بر نیزه رفت و اهل بیت او به اسارت برده شدند، عشق حضور در کربلا و زیارت مرقد مطهر امام حسین علیه السلام برای عاشقانش، آرزویی دست نیافتنی به نظر می رسید؛ زیرا دستگاہ ستم اموی، چنان پرده سیاه خود را بر جهان اسلام گسترده بود که کسی باور نمی کرد بتوان این پرده نفاق را درید و خود را به زیارت سرور شهیدان

عالم رسانند. اما آتش محبت حسین علیه السلام چنان در قلب های مؤمنان فروزان بود که هیچ گاه نتوانستند آن را خاموش کنند. آری، همین محبت بود که انسان های دلباخته را به سوی کربلا کشاند و هنوز یک اربعین بیشتر از شهادت او نگذشته بود که عشق حسینی، پای جابرین عبدالله انصاری را برای رفتن استوار ساخته، شوق دیدار و زیارت امام حسین علیه السلام او را حرکت داد. جابر وقتی خود را به کنار فرات رسانید، در آن غسل کرد تا پاک و مطهر شود، آن گاه به سوی قبر مطهر اباعبدالله الحسین علیه السلام حرکت کرد. او وقتی دست خود را روی قبر شریف حضرت نهاد، فریادی زد و از هوش رفت. بعد از آن که به هوش آمد، سه بار گفت: یا حسین! و سپس شروع به خواندن زیارت کرد.

## ورود اهل بیت در اربعین اول

بدون تردیدی اهل بیت بعد از واقعه عاشورا، به زیارت اباعبدالله علیه السلام مشرف شدند. اما بین تاریخ نگاران درباره تاریخ این جریان، اختلاف نظر وجود دارد. گروهی از آن ها، اربعین اول و برخی نیز اربعین سال بعد، را زمان ورود اهل بیت به کربلا می دانند. از جمله افرادی که ورود اهل بیت را در اربعین اول تأیید می کند، سید بن طاووس است. وی در کتاب اللهوف می نویسد: وقتی زنان و فرزندان حسین علیه السلام از شام برگشته و به سرزمین عراق رسیدند، به راهنمای قافله گفتند: «ما را از کربلا ببر». وقتی به کربلا رسیدند، جابر بن عبدالله انصاری و جمعی از بنی هاشم و مردانی از اولاد پیغمبر صلی الله علیه و آله را دیدند که برای زیارت مرقد مطهر حسین علیه السلام آمده اند. پس همگی در یک زمان در آن سرزمین گرد آمدند.

## زیارت نامه اربعین

### در اعمال این روز

یعنی بیستم صفر شیخ در تهذیب و مصباح روایت کرده از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام که فرموده علامات مؤمن پنج چیز است پنجاه و یک رکعت نماز گذاشتن که مراد هفده رکعت فریضه و سی و چهار رکعت نافله است در هر شب و روز و زیارت اربعین کردن و انگشتر در دست راست کردن و جبین را در سجده بر خاک گذاشتن و بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ را بلند گفتن و کیفیت زیارت حضرت امام حسین علیه السلام در این روز به دو نحو رسیده یکی زیارتیست که شیخ در تهذیب و مصباح روایت کرده از صفوان جمال که گفت فرمود به من مولایم حضرت صادق علیه السلام در زیارت اربعین که زیارت می کنی در هنگامی که روز بلند شده باشد و می گوئی:

### متن زیارت

السَّلَامُ عَلٰی وَلِيِّ اللّٰهِ وَحَبِيْبِهِ، السَّلَامُ عَلٰی خَلِيْلِ اللّٰهِ وَنَجِيْبِهِ، السَّلَامُ عَلٰی صَیْفِي اللّٰهِ وَابْنِ صَیْفِيْهِ، السَّلَامُ عَلٰی الْحَسَنِ الْمَظْلُوْمِ الشَّهِيدِ، السَّلَامُ عَلٰی اَسِيْرِ الْكُرْبَاتِ، وَقَتِيْلِ الْعَبْرَاتِ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَشْهَدُ اَنَّهُ وَلِيُّكَ وَابْنُ وَلِيِّكَ، وَصَیْفِيْكَ وَابْنُ صَیْفِيْكَ، الْفَائِزُ بِكَرَامَتِكَ، اَكْرَمْتَهُ بِالشَّهَادَةِ، وَحَبَوْتَهُ بِالسَّعَادَةِ، وَاجْتَبَيْتَهُ بِطِيْبِ الْوِلَادَةِ، وَجَعَلْتَهُ سَيِّدًا مِّنَ السَّادَةِ وَقَادِمًا مِّنَ الْقَادَةِ، وَذَادِمًا مِّنَ الْمَدَادَةِ، وَاعْطَيْتَهُ مَوَارِثَ الْاَنْبِيَاءِ، وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلٰی خَلْقِكَ مِنَ الْاَوْصِيَاءِ، فَاَعِيْذُ فِي الدُّعَاءِ، وَمَنْحِ النَّصْحِ، وَبَدَلْ مُهْجَتَهُ فِيْكَ، لِيَسْتَتَّقَكَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَخَيْرَةَ الصَّلَاةِ، وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مِنْ غَرَّتِهِ الدُّنْيَا، وَبَاعَ حَظَّهُ بِالْاَرْذَلِ الْاَذْنٰى، وَشَرَى آخِرَتَهُ بِالْثَمَنِ

الْأَوْكَسِ، وَتَغَطَّرَسَ وَتَرَدَّى فِي هَيَوَاهُ، وَأَسْخَطَكَ وَأَسْخَطَ نَبِيَّكَ، وَأَطَاعَ مَنْ عِبَادِكَ أَهْلَ الشَّقَاقِ وَالنَّفَاقِ، وَحَمَلَهُ الْأَوْزَارِ  
 الْمُشْتَوَجِبِينَ النَّارِ، فَجَاهَدَهُمْ فِيكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا، حَتَّى سَفِكَ فِي طَاعَتِكَ دَمَهُ، وَأَسْتَبِيحَ حَرِيمَهُ، اللَّهُمَّ فَالْعَنُوهُمْ لَعْنًا وَبِيْلًا، وَعَدُّبُهُمْ  
 عَذَابًا أَلِيمًا، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ وَابْنُ أَمِينِهِ، عِشْتَ سَيِّعِيًا،  
 وَمَضَيْتَ حَمِيدًا وَمُتَّ فَقِيدًا مَظْلُومًا شَهِيدًا، وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ مُنْجِزُ مَا وَعَدَكَ، وَمُهْلِكُ مَنْ خَذَلَكَ وَمُعَدِّبٌ مَنْ قَتَلَكَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ  
 وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِهِ حَتَّى آتَيْتَ الْيَقِينَ، فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَجَعَتْ بِذَلِكَ  
 فَرَضِيَّتَ بِهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي وَلِيُّ لِمَنْ وَالَاهُ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُ، بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا  
 فِي الْأَضْيَالِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ، لَمْ تُجَسِّدْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا، وَلَمْ تُلْبَسِكَ الْمِدْلَهَمَاتُ مِنْ ثِيَابِهَا، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ  
 دَعَائِمِ الدِّينِ وَأَرْكَانِ الْمُسْلِمِينَ، وَمَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْأَمَامُ الْبُرِّ التَّقِيِّ، الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ، وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ  
 مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى، وَأَعْلَامُ الْهُدَى، وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى، وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، وَأَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ، وَبِأَيَابِكُمْ مُوقِنٌ، بِشَرَائِعِ  
 دِينِي وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي، وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلَمٌ، وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ، وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ  
 عَدُوِّكُمْ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، وَعَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَأَجْسَادِكُمْ، وَشَاهِدِكُمْ وَعَاقِبِكُمْ، وَظَاهِرِكُمْ وَبَاطِنِكُمْ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

پس دو رکعت نماز می کنی و دعا می کنی به آنچه می خواهی و برمی گردی و دیگر زیارتی است که از جابر منقول است و  
 کیفیت آن چنان است که از عطا روایت شده که گفت با جابر بن عبدالله انصاری بودم در روز بیستم ماه صفر چون به غاضریه  
 رسیدیم در آب فرات غسل کرد و پیراهن طاهری که با خود داشت پوشید پس گفت که آیا با تو چیزی هست از بوی خوش  
 ای عطا گفتم با من سِعد هست پس قدری از آن گرفت و بر سر و بدن پاشید و پابره نه روانه شد تا ایستاد نزد سر مبارک امام  
 حسین علیه السلام و سه مرتبه الله اکبر گفت پس افتاد و بیهوش شد و چون به هوش آمد شنیدم که می گفت السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا  
 آلَ اللَّهِ الخ که به عینه همان زیارت نیمه رجب است که ما ذکر نمودیم و با آن فرقی ندارد جز چند کلمه که شاید از اختلاف  
 نسخ باشد چنانچه شیخ مرحوم احتمال داده پس اگر کسی خواست که آن را نیز بخواند رجوع کند به زیارت نیمه رجب و  
 همان را بخواند مؤلف گوید که زیارت امام حسین علیه السلام در اوقات شریفه و لیالی و ایام متبرکه که به غیر از این اوقات که  
 ذکر شد نیز افضل است خصوصاً اوقاتی که به آن حضرت نسبتی داشته باشد مانند روز مباحله و روز نزول هل آتی و روز  
 ولادت شریف آن حضرت و شبهای جمعه و از روایتی مستفاد می شود که حق تعالی در هر شب جمعه نظر مکرمتی بر آن  
 حضرت فرماید و جمیع پیمبران و اوصیای ایشان را به زیارت او بفرستد و ابن قولویه از حضرت صادق علیه السلام روایت  
 کرده که هر که زیارت کند قبر امام حسین علیه السلام را در هر جمعه آمرزیده شود البته و از دنیا بیرون نرود با حال حسرت از  
 دنیا و مسکنش در بهشت با امام حسین علیه السلام باشد و در خبر اعمش است که همسایه او برای او گفت در خواب دیدم که  
 رقعها از آسمان فرو می ریزد که در آنها امان نوشته اند برای هر که زیارت امام حسین علیه السلام کند در شب جمعه و بعد از  
 این در اعمال کاظمین در حکایت حاجی علی بغدادی اشاره به این مطلب خواهد شد و غیر این از اوقات شریفه دیگر و روایت  
 شده از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که آیا زیارت امام حسین علیه السلام را وقتی هست که بهتر از وقت دیگر باشد  
 فرمود که زیارت کنید آن حضرت را در هر وقت و هر زمان زیرا که زیارت آن حضرت خیر مَقَرَّری است هر که آن را بیشتر  
 به عمل آورد خیر بیشتر خواهد یافت و هر که کمتر کند کمتر خواهد یافت و سعی کنید در زیارت کردن آن حضرت در  
 اوقات شریفه که اعمال صالحه در آنها ثوابش مضاعف است و در آن اوقات شریفه ملائکه از آسمان نازل می شوند از برای  
 زیارت آن حضرت الخ و از برای خصوص این اوقات مذکوره زیارت منقولی یافت نشده بلی در روز سیم ماه شعبان که روز  
 تولد حضرت امام حسین علیه السلام است دعائی از ناحیه شریفه بیرون آمده که بایست آن را خواند و ما آن را در اعمال ماه

شعبان ذکر کردیم و بدان نیز که زیارت آن حضرت در غیر کربلا از شهرهای دور فضیلت زیادی دارد و ما در اینجا به ذکر دو روایت که در کافی و تهذیب و فقیه است قناعت می‌کنیم روایت اول ابن ابی عمیر از هشام روایت کرده که حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر گاه راه یکی از شما دور و از خانه‌اش تا به قبور ما مسافت بسیار باشد بالا رود به پشت بام بلندتر منزل خود و دو رکعت نماز کند و اشاره کند به سلام کردن به سوی قبرهای ما پس بدرستی که آن به ما می‌رسد روایت دوم از حنّان بن سُدَیر از پدرش منقولست که حضرت صادق علیه السلام به من فرمود ای سُدیر زیارت می‌کنی قبر حسین علیه السلام را در هر روز عرض کردم که فدای تو گردم نه فرمود شما چه جفاکارید در هر جمعه زیارت می‌کنید او را گفتم نه فرمود در هر ماهی زیارت می‌کنید گفتم نه فرمود در هر سالی او را زیارت می‌کنید گفتم گاهی از سالها شده که زیارت کرده‌ام فرمود ای سُدیر چه جفا کارید شما به امام حسین علیه السلام آیا ندانستید که حق تعالی را دو هزار هزار فرشته است (و در تهذیب و فقیه هزار هزار فرشته است) ژولیده مو گرد آلوده که می‌گیرند بر آن حضرت و زیارت می‌کنند وسست نمی‌شوند و چه می‌شود برای تو ای سُدیر که زیارت کنی قبر حسین علیه السلام را در هر جمعه پنج مرتبه و در هر روزی یک مرتبه گفتم فدایت شوم بین ما و بین او فرسخهای بسیار است فرمود به من که بالا رو به بام خانه‌ات پس نظر کن به جانب راست و چپ پس بلند کن سر خود را بسوی آسمان پس قصد کن جانب قبر آن حضرت را و بگو «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ» نوشته می‌شود برای تو زیارتی و آن زیارت حجه و عمره است سُدیر گفت بسا شد که بجا آوردم این را در ماه بیشتر از بیست مرتبه و در صدر زیارت اول از زیارات مطلقه گذشت چیزی که مناسب این مقام بود.

## اربعین به روایت تصویر

تصویر ۱



تصویر ۲



تصویر ۳



تصویر ۴



تصویر ۵



پایان

## درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌ات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
  ۲. ارتباط با مراکز هم سو
  ۳. پرهیز از موازی کاری
  ۴. صرفا ارائه محتوای علمی
  ۵. ذکر منابع نشر
- بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)
۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷



GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون مجتمع فرهنگی مذهبی هیئت قائمیه اصفهان ،دفاتر مراجع معظم تقلید، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور)، موسسه فرهنگی مرکز تحقیقات رایانه‌ای مهر حوزه علمیه اصفهان، سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی ، موسسه فرهنگی اطلاع رسانی تبیان ، سازمان حج و زیارت، انتشارات مسجد مقدس جمکران و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹